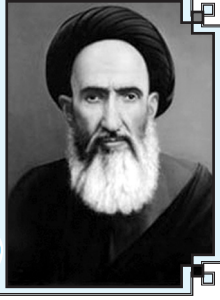


«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹

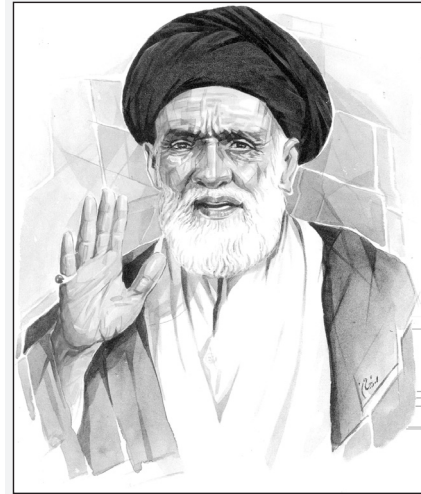


تألیف آیت الله
سید مرتضی خسروشاهی
کتاب «حدیث
غدير و مسئله
ولایت» منتشر شد



سال سی و ششم ♦ شماره ۸ ♦ شماره مسلسل ۱۵۰۲ ♦ نیمه دوم تیر ماه ۱۳۹۴ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

آیت الله کاشانی چگونه قیام ۳۰ تیر را رقم زد؟



قیام ۳۰ تیر یکی از روزهای به یادماندنی و افتخارآفرین تاریخ سیاسی ایران است. روزی که خرد جمعی و اراده‌ی ملی بر استبداد و خودرأیی پیروز شد و مشارکت خودجوش و خودانگیخته‌ی مردم در سرنوشت خود، توطئه‌های داخلی و خارجی ضد منافع ملی را خنثی کرد. مردم ایران با فداکاری، شهامت و صداقت

ثابت کردند که مردمی آگاه و ظلم‌ستیز هستند. در واقع، در این روز بود که مردم ایران نشان دادند کارنامه‌ی مشروطه در ایران بسته نشده است و هنوز سرنوشت مردم ایران به دست خود مردم تعیین می‌گردد و قدرت‌های بزرگ هم در جهت دادن به سرنوشت جامعه‌ی ایران ناتوان هستند.

ریشه‌های شکل‌گیری قیام سی تیر را باید در سال‌های قبل‌تر از این اتفاق تاریخی جست‌وجو کرد. شروع این جریان به اقدامات شاه برای ایجاد یک تمامیت‌خواهی گسترده به پشتوانه‌ی قدرت‌های بزرگ مانند انگلیس و آمریکا باید باز می‌گردد. شاه، که پس از سال‌های ۱۳۲۰ و جانشینی رضاشاه قدرت خود را سست یافته بود و عملاً خود را در تحولات جاری کشور بی‌تأثیر و غایب می‌دید، به دنبال بهانه‌ای بود تا جایگاه خود را در عرصه‌ی سیاسی کشور مستحکم کند. ترور شاه در سال ۱۳۲۷ بهانه‌ی لازم را به او داد تا با ابزار سرکوب، نیروهای مردمی را کنار نهد و رو به سمت یک دیکتاتوری تمامیت‌خواه حرکت کند. (۱)

مهم‌ترین واقعه‌ای که برنامه‌ی شاه را با خلل ایجاد کرد، جریان ملی شدن صنعت نفت بود که در مجلس شانزدهم به تصویب رسیده بود و همین موضوع مقدمه‌ی شکل‌گیری دوران ۲۷ ماهه‌ی دولت مصدق بود که یکی از پرتلاطم‌ترین دوران تاریخی ایران محسوب می‌شود. در واقع، با جریان ملی شدن صنعت نفت به رهبری مصدق و آیت‌الله کاشانی، احساسات ملی و مذهبی ایران بیش از پیش تحریک شد و مردم با رهبری بزرگانی هم چون آیت‌الله کاشانی به آگاهی سیاسی رسیدند. در این وضعیت بود که مفهوم وطن و ضدیت با بیگانه دوباره احیا شد و زمینه برای بسیج توده‌ها فراهم گشت.

زمینه‌ی آغازین قیام سی تیر در ماه‌ها کشمکش بین شاه و مصدق بر سر وزارت جنگ بود. نهایتاً مصدق در ۲۵ تیرماه ۱۳۳۱، بدون توجه به نمایندگان و با نوشتن نامه‌ی استعفا‌ی خود، مستقیماً به مردم متوسل شد و از سمت خود کناره‌گیری کرد. همین مسئله مقدمه‌ای شد برای دخالت بیگانگان در امور کشور که با انتخاب قوام در سیاست ایران تجلی پیدا کرد و در نهایت ناراضیاتی مردم را در پی داشت؛ اما این موضوع بدون پشتوانه‌ی یک رهبری آگاه مورد قبول مردم، هیچ تأثیری در شکل‌گیری یک جریان ملی و مذهبی نداشت. مهم‌ترین عاملی که در نهایت به ایجاد یک قیام مردمی و به چالش کشیدن حاکمیت و قدرت‌های بزرگ منجر شد، رهبری بی‌چون و چرای آیت‌الله کاشانی در روزهای منتهی به سی تیر بود.

نگاه ضدامپریالیستی آیت الله کاشانی

آیت‌الله کاشانی، در طی دوره‌ی طولانی زندگی سیاسی خود، نشان داد که هیچ‌گاه در مقابل ظلم، استبداد و استعمار کوتاه نمی‌آید و همیشه تمام توان خود را برای کوتاه کردن دست آنان از مسائل داخلی ایران به کار برده است. ایشان در عراق به مبارزه با امپریالیسم انگلستان پرداخت و در حالی که در جریان مبارزات ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی خود و مخالفت با شاه توسط قوام تبعید شده بود، با شروع جریان ملی شدن صنعت نفت به صحنه‌ی سیاسی بازگشت. به تدریج، سطح نفوذ او به حدی رسید که یکی از مهم‌ترین رهبران این جریان شد و با تکیه بر تفکر ضد امپریالیستی خود نهضت را به پیش برد. (۲)

ادامه در صفحه ۶

اظهار تأسف شدید
آیت الله امینی از
معرفی چند گانه شیعه
در کشور



آیت الله حسینی بوشهری:

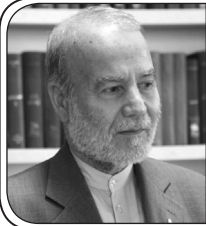
طلبه گوشه‌نشین
عامل به علم
نیست



یادی از صادق آینه‌وند به مناسبت
چهلمین روز درگذشت

آینه صادق

استاد خسروشاهی



دیرکل اتحادیه جهانی علمای مقاومت:

فرقی بین آل سعود
و آل خلیفه نیست، فقط
اولی در جنایت و حمایت
از تکفیری‌ها جلوتر است



انصار الله چگونه به قوی‌ترین نیروی یمن تبدیل شد؟

نیمه شب سه‌شنبه یکم آوریل، غرش جنگنده‌های سعودی و در پی آن انفجارهای بزرگ، کودکان یمنی را از خواب بیدار کرد. عربستان سعودی جنگی را علیه یمن آغاز کرده بود که به ادعای «عادل الجبیر» سفیر وقت عربستان در واشنگتن، هدف آن بازگرداندن مشروعیت به منصور هادی رئیس‌جمهور مخلوع یمن



و جلوگیری از قدرت گرفتن انصارالله در این کشور بود. این حمله که با چراغ سبز آمریکا و انگلیس صورت گرفت، واضح‌ترین و وقیحانه‌ترین دخالت رژیم آل‌سعود در سرنوشت مردم یمن طی سال‌های اخیر بود؛ جنگی تمام‌عیار پس از آن که اهداف و سیاست‌های دوگانه آل‌سعود با شکست مواجه شد. اما این سؤال مطرح است که چه اتفاقی در فضای سیاسی یمن افتاد که نیروهای خارجی تصمیم به تجاوز به این کشور برای تغییر در توازن قدرت در یمن و تحقق اهداف خود گرفتند؟ چه شد که انصارالله از یک گروه کوچک به چنین قدرتی دست یافت که آل سعود تجاوزکارانه تصمیم به نابودی آن گرفت؟ جواب این پرسش‌ها در یک دهه تنش در فضای سیاسی یمن نهفته است: ده‌ها سال وحشی‌گری‌های حکومت سابق علیه انصارالله و مبارزات این گروه تا جایی که انصارالله تبدیل به جنبشی سرد و گرم چشیده و متبحر شد.

تاریخچه این قضایا را باید از ۲۰ سال پیش دنبال کرد. ۲۲ مه ۱۹۹۰ جمهوری یمن از اتحاد میان یمن شمالی و یمن جنوبی تشکیل شد و علی عبدالله صالح به عنوان رئیس‌جمهور این کشور جدید سوگند یاد کرد. با این حال، سیاست‌های تبعیض‌آمیز صالح موجب نارضایتی مردم و رهبران جنوب یمن شد و بر اثر تنش‌ها و بحران‌های بعدی، سال ۱۹۹۴ بالاخره جنگی داخلی در این کشور شکل گرفت. این جنگ دو ماه به طول انجامید و طی آن دولت مرکزی مردم جنوب را قتل‌عام و تأسیسات و زیرساخت‌های آن‌ها را نابود کرد. این در حالی بود که اخوان المسلمین یمن موسوم به جنبش اصلاحات هم از دولت مرکزی حمایت معنوی و مذهبی می‌کرد. دیری نگذشت که صالح توانست عدن را اشغال کند و جنبش جنوب یمنی را شکست دهد.

از همان زمان بود که شمالی‌ها سلطه خود بر جنوبی‌ها را آغاز کردند و علی عبدالله صالح توانست جنوب یمن را کاملاً نابود کند و کنترل آن را به دست بگیرد. در این راه مراکز قدرت زیادی را تصرف و پول‌های هنگفتی را خرج کرد. پس از پیروزی صالح، از او خواستند تا یک دولت وحدت ملی تشکیل دهد، چرا که ایجاد چنین دولتی موجب دل‌جویی از شکست‌خوردگان در جنگ نیز می‌شد. با این حال، کسانی که در جنگ پیروز شده بودند، این پیشنهادها را رد می‌کردند.

یکی از کسانی که به شدت اصرار بر وحدت ملی داشت، سید بدرالدین الحوثی، رهبر حوثی‌های زیدی بود. وی از علمای بزرگ شهرستان حوث در جنوب استان صعده، و یکی از ارکان فرقه زیدی محسوب می‌شد. سید بدرالدین همچنین پدر سید حسین الحوثی و سید عبدالملک الحوثی

رهبر فعلی جنبش حوثی‌هاست. به تدریج برخی از کسانی که در جنگ از صالح حمایت کرده بودند، شروع به انتقاد از او کردند. این افراد که پیرو ایدئولوژی اخوان المسلمین بودند، در درازمدت تهدیدی بالقوه برای دولت صالح به شمار می‌رفتند. از سوی دیگر، صالح می‌دانست تنها زیدی‌ها هستند که می‌توانند در برابر

اخوانی‌ها بایستند. بنابراین رئیس‌جمهور وقت یمن به سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» متوسل شد. خود او نام این سیاست را «قص روی سر مارها» گذاشت؛ گاه از یک طرف در مقابل طرف دیگر حمایت می‌کرد، اغلب حتی از هر دو طرف مقابل یک‌دیگر پشتیبانی می‌نمود. سال ۱۹۹۳، زیدی‌ها که شامل علمایی مانند سید مجدالدین محمد المؤیدی و سید بدرالدین الحوثی می‌شدند و اغلب در استان صعده ساکن بودند، حزب اسلامی الحق را تأسیس کردند. مسلماً سیاست صالح در آن زمان حمایت از تحولاتی از این نوع بود و احزابی مانند حزب الحق قادر به ایستادن در برابر افراط‌گرایی و ایدئولوژی‌های رادیکال در یمن، از جمله القاعده بودند. این مسئله به سود دولت صالح بود، چرا که وی برای مقابله با القاعده تحت فشار آمریکا بود.

با این حال، نوآوری‌هایی که حزب الحق داشت و تأثیری که از انقلاب امام خمینی (ره) در ایران گرفته بود، موجب مخالفت مذهبی برخی در یمن شد. بنابراین، شکافی میان محافظه‌کاران و روشنفکران به وجود آمد. گروه اول متشکل از علمای زیدی و بزرگ‌ترهای این فرقه بود، و گروه دوم عده‌ای به رهبری محمد عزان بودند. در عین حال باید یک طرز تفکر میانه‌رو ایجاد می‌شد تا این دو خط فکری را به هم نزدیک و از عمیق تر شدن این شکاف جلوگیری کند.

«حسین بدرالدین الحوثی» یکی از دوستان و هم‌فکران عزان که موضعی میانه‌روتر داشت متعهد به انجام این کار شد. سید حسین، هم وارد فعالیت‌های سیاسی شد و هم مشغول مکتوب کردن و ترویج ایدئولوژی خود به ویژه در میان نسل جوان. حسین الحوثی عضو مجلس بود، شخصیتی قوی و ذهنی خلاق داشت. کاریزمای ویژه‌ای داشت که او را میان زیدی‌ها به خصوص ساکنین صعده، محبوب و مشهور کرده بود. زمانی که ظلم و ستم در یمن به اوج خود رسیده بود و این کشور درگیر مشکلات مذهبی، اقتصادی و جنگ داخلی بود، حسین الحوثی سعی کرد مشکلات میان جنبش‌های محافظه‌کار و روشنفکر را برطرف کند. او معتقد بود انحراف از قرآن کریم دلیل مشکلات داخلی در یمن است. از این رو شروع کرد به دعوت مردم به سوی بازگشت به قرآن. با هر سیاستی که اعلام می‌شد، آیاتی از قرآن را می‌خواند و معنای آن‌ها را با شرایط موجود مقایسه می‌کرد. بعد از مدتی، ایدئولوژی «انقلاب» و تحول و خودداری از قبول شرایط موجود در ذهن او شکل گرفت.

ادامه در صفحه ۲

ادامه از صفحه اول

حسین الحوثی در شمال یمن و روی کوهی اقامت داشت که به مرز عربستان سعودی اشراف داشت. وی در این حال، به آموزش و آماده‌سازی جوانانی همت کرد که بسیار به او اعتقاد پیدا کردند. سید حسین گروهی به نام «الشباب المؤمن» را در صعدة و در راستای تفکرات خاص سیاسی و فرهنگی تأسیس کرد. این جنبش عمدتاً ابعاد فرهنگی داشت و خود را وقت عدالت‌خواهی کرده بود. همچنین هرگونه دخالت خارجی، ظلم، خشونت و استبداد را نفی می‌کرد. کار تا جایی پیش رفت که سید حسین موقعیتی برجسته و تعیین‌کننده در صعدة به دست آورد. این وضعیت برای دولت مرکزی در صنعا و همین‌طور همسایه شمالی یمن یعنی عربستان سعودی خطرناک بود.

عربستان سعودی به عنوان متحد اصلی آمریکا در منطقه، از نگرانی‌های بزرگ دولت یمن بود. صالح به تدریج تحت فشار قرار گرفت تا با زیدی‌ها مقابله کند، اما در عوض دست به سرکوب متحدان اصلی عربستان سعودی یعنی سلفی‌ها زد. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر روابط آمریکا و عربستان سعودی تیره و تار شد، چراکه بسیاری از افرادی که در انجام این عملیات دست داشتند، دارای گذرنامه عربستانی بودند. این بود که صالح فکر کرد می‌تواند تبدیل به متحد اصلی آمریکا در منطقه در قالب ائتلافی علیه تروریسم شود. بنابراین، به سرعت برای ریشه‌کن کردن سلفی‌ها، به ویژه آن‌هایی که از افغانستان بازگشته بودند، دست به کار شد.

جورج بوش پسر مبارزه بین‌المللی علیه آن‌چه خودش تروریسم نامیده بود را آغاز کرد، اما سید حسین الحوثی اعلام کرد که این جنگ در حقیقت جنگ با اسلام است. معتقد بود شکست دینی و اخلاقی برای مسلمانان خطرناک‌تر از شکست نظامی مقابل آمریکاست. وی به دنبال ترویج شاعران دینی در جامعه بود و می‌خواست با فریب‌کاری‌های بوش علیه اسلام مقابله کند. علی عبدالله صالح به این نتیجه رسید که اقدامات سید حسین، فرصت تبدیل شدن به متحد اصلی آمریکا در منطقه را از او گرفته است. بنابراین به تشدید ظلم و ستم، استبداد، کشتار، شکنجه و حبس روی آورد. صالح از همان زمان تلاش کرد نسخه مورد نظر خود از اسلام و شخصیت‌ها و علمای مدنظر خود را که از راه دور قابل کنترل باشند، در جامعه روی کار بیاورد.

۱۸ ژانویه ۲۰۰۴، هزاران سرباز، با حمایت ده‌ها جنگنده، صدها تانک، توپ و دیگر تجهیزات نظامی سنگین و نیمه سنگین، به مناطق النشور، السیفی، ماران و ضحیان در استان صعدة حمله کردند. این اولین جنگی بود که دولت صالح علیه حوثی‌ها تحمیل کرد و سه ماه به آن ادامه داد. کسی که جنگ علیه شیعیان زیدی و الشباب المؤمن را رهبری می‌کرد، «علی محسن الاحمر» از نزدیکان علی عبدالله صالح بود. الاحمر به وهابیت تمایل داشت و به این مسئله مشهور بود. وی بسیاری از دستورات خود را هم همراه با مبالغه‌های مستقیماً از عربستان سعودی دریافت می‌کرد. جنگ داخلی در یمن ادامه پیدا کرد و در همین جنگ، سید حسین به شهادت رسید. دولت حتی بدن سید حسین را در یکی از زندان‌های مرکزی در صنعا نگه داشت تا پیروان او نتوانند آرامگاهی برای او بسازند. این در حالی بود که سید حسین قبل از سقوط منطقه ماران، دستور داده بود سید عبدالملک الحوثی از آن منطقه به نقطه دیگری منتقل شود. سید بدرالدین ظاهراً برای عبدالملک برنامه‌های خاصی داشت، اگرچه این برنامه را برای کس دیگری فاش نکرده بود.

مرگ سید حسین الحوثی رهبر زیدی‌ها و بسیاری از دستیاران او نگرانی‌های صالح و علی محسن الاحمر در مورد وضعیت در صعدة را از بین برد، به ویژه که جنبش الشباب المؤمن رهبر خود را از دست داده بود. با این حال جنبش الشباب المؤمن منحل نشد، بلکه با حمایت علامه بدرالدین الحوثی، پدر سید حسین به حیات خود ادامه

انصار الله چگونه به قوی‌ترین نیروی یمن تبدیل شد؟

هم ادامه پیدا کرد. با این حال، نیروهای واقعی مردمی همچنان انقلاب خود را ادامه دادند و با سیاست‌های دولت مخالفت کردند.

انصارالله اگرچه از عرصه سیاسی یمن حذف شده بود، اما فعالیت‌های سیاسی خود را ادامه داد. از دولت خواستند بدن شهید سید حسین بدرالدین را به آن‌ها تحویل دهد. دولت حاکم هم این تقاضا را پذیرفت. حضور مردم در مراسم تشییع جنازه سید حسین نشان داد انصارالله چه اندازه در میان مردم محبوب است. حدود یک میلیون نفر در این مراسم حضور پیدا کردند.

سال ۲۰۱۱ و پس از سقوط صالح، انصارالله به فضایی آزادتر از گذشته دست پیدا کرد و فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی خود را در استان‌های هم‌جوار گسترش دادند و با جنبش‌های تکفیری و از جمله حزب الاصلاح درگیر شدند. انصارالله اگرچه به افکار و ایدئولوژی شیعی شناخته شده بود، اما میان عموم مردم یمن طرفدار داشت. دیدگاه‌های سید حسین الحوثی و بعد از او برادرش عبدالملک مبتنی بر اعتدال و تعامل با تمام مردم یمن صرف‌نظر از تفکرات

و یا منافع سیاسی-مذهبی آن‌ها بود. همین ویژگی در توسعه سریع ایدئولوژی انصارالله و جذب حامیان متعدد از میان مردم، سهم عمده‌ای داشت. دولت هادی که باز هم تحت حمایت سعودی‌ها بود، نشانه‌های ضعف را در خود می‌دید و تن به درگیری جدی با انصارالله نمی‌داد. منصور هادی قدرت واقعی را در یمن در دست نداشت. همان قدرت محدود او هم‌زمان با گسترش فعالیت‌های انصارالله، پیشرفت القاعده در برخی مناطق، توسعه جنبش جنوب یمن و مشکلات امنیتی دیگر کم‌تر و کم‌تر می‌شد. ماجرا تا جایی پیش رفت که دولت مرکزی حتی کنترل صنعا را هم از دست داد و تنها هدف و مأموریت مهم آن‌ها از بین بردن دشمنانشان شد. مزدوران سعودی تلاش کردند همه گروه‌های میانه‌رو را در کشور از بین ببرند و ایدئولوژی تکفیری خود را در کشور حاکم کنند.

انصارالله بالاخره تصمیم گرفت دست به کار شود. واکنش مردم به این تصمیم انصارالله هم بسیار گسترده بود. از سوی دیگر دولت مرکزی به دنبال باز کردن پای متحدان خارجی خود از جمله آمریکا و متحدین منطقه‌ایش به یمن بود. محاصره «دماج» بهانه‌ای به دست دولت داد تا مردم یمن را علیه شهروندان صعدة و در واقع انصارالله بشویند. پس از شکست دولت در جنگ ششم، گروه‌های یاعی مانند حزب الاصلاح، نیروهای تکفیری و نیروهای تحت فرمان علی محسن الاحمر دست به حملاتی زدند. این عملیات‌ها ادامه پیدا کرد تا جایی که حادثه دماج رقم خورد. دماج نماد جنگ نیروهای انصارالله و با تکفیری‌ها بود. این منطقه نوعی پادگان بود که تروریست‌ها در آن از چهار گوشه جهان جمع می‌شدند تا با انصارالله بجنگند. تروریست‌ها بعد از آن که راه به جایی نبردند، تصمیم به عقب‌نشینی گرفتند. سید عبدالملک به آن‌ها اعلام کرد خطری آن‌ها را تهدید نمی‌کند و آن‌ها آزاد هستند ایدئولوژی و عقیده خود را ترویج کنند، به شرط آن که منطقه را ناامن نکنند.

نیروهای تکفیری به بهانه ماجرای دماج وارد مناطق شرق و غرب استان صعدة و از جمله نزدیکی حوث شدند. می‌خواستند صعدة را با یک میلیون جمعیت درون آن محاصره کنند. از ورود غذا و دارو به این استان جلوگیری کردند. هرکس به این استان وارد یا از آن خارج می‌شد، به روش تیرباران اعدام می‌شد. نیروهای مردمی در برابر محاصره ایستادند و انصارالله موفق به شکستن محاصره از جبهه شرق شد، جایی که تکفیری‌ها حدود ۳۰ سال آن‌جا عملیات می‌کردند. تکفیری‌ها به دنبال شکست، از مناطق مختلف عقب‌نشینی می‌کردند و انصارالله نیز به دنبال آن‌ها می‌رفت. این تقیب و گریز تا استان عمران در همسایگی صنعا ادامه پیدا کرد. انصارالله با حضور فرهنگی خود در این استان، انقلابی از جوانان به راه انداخت و قصد برپایی اعتراضات مسالمت‌آمیز داشت، اما این اعتراضات با واکنش خشونت نیروهای نظامی یمن

الجابری بود. انصارالله پس از امضای قرارداد با دولت مرکزی یمن بود که این مناطق را ترک کرد. پیروزی بزرگ دیگری برای انصارالله رقم خورد و هزاران نفری که از ظلم و ستم خسته شده بودند به این جنبش ملحق شدند. البته توقف جنگ بین انصارالله و دولت مرکزی، به معنای پایان تنش‌ها نبود. وجهه دولت صالح تخریب و ایدئولوژی انصارالله گسترده‌تر از قبل شده بود. این‌ها برای رژیم حاکم در یمن، عربستان سعودی و آمریکا غیرقابل تحمل بود. آن‌ها صرفاً به زمانی برای طراحی توطئه‌های جدید نیاز داشتند.



در همین دوران بود که بیداری اسلامی سرزمین‌های عربی را درنوردید. هنگامی که این طوفان تغییرات به یمن رسید، مردم از تمام طبقات، اقوام و مذاهب در این کشور به خیابان‌ها ریختند. همه می‌دانستند که نظام حکومتی این کشور باید تغییر کند. انصارالله اولین جناح سیاسی بود که اعلام کرد به انقلاب مردمی در صنعا می‌پیوندد. امواج انقلاب همه موانع را از مسیر برداشت و فاصله‌ای با پیروزی نداشت. البته مخالفان انقلاب به ویژه عربستان سعودی حاضر به پذیرفتن این مسئله نشدند و تمام تلاش خود را برای سنگ‌اندازی در مسیر انقلاب مردم یمن کردند.

روز جمعه‌ای که به «جمعه کرامت» مشهور شد، عده‌ای که هنوز هم هویتشان مشخص نشده، دست به شورش، آتش زدن اموال عمومی، ترور و حتی قتل عام مردم زدند. یکی از سناریوهای مطرح شده در این باره از دست داشتن علی محسن الاحمر در طراحی این حملات حکایت دارد. وی در آن زمان تلاش می‌کرد خود را از علی عبدالله صالح جدا کند و با سوار شدن بر موج انقلاب، به قدرت برسد. الاحمر توانست با نیروهای نظامی که در اختیار داشت، کنترل صنعا را به دست بگیرد. به این ترتیب کنترل انقلاب را نیز به دست گرفت و به نوعی سخت‌کوی آن شد. همین باعث بروز اختلاف و دو دستگی میان انقلابیون شد. چیزی نگذشت که اخباری درباره ترور صالح در کاخ ریاست‌جمهوری منتشر شد که البته صحت نداشت. صالح صرفاً زخمی و به عربستان منتقل شده بود.

این حادثه رئیس‌جمهور یمن را تضعیف کرد و او برای پذیرش هرگونه راه‌حل میانه‌ای آماده شد. این‌جا بود که طرح شورای همکاری خلیج که تحت رهبری عربستان آماده شده بود، مقابل صالح قرار داده شد. این طرح به صالح کمک می‌کرد از پیگرد قانونی در امان بماند، اما در عوض او باید از قدرت کناره‌گیری می‌کرد. این کار باعث می‌شد مردم یمن احساس کنند پیروز شده‌اند. همچنین بر اساس این طرح، طبق توافقی میان صالح و احزاب دیگر یمنی، قدرت باید تقسیم می‌شد. دقیقاً همین اتفاق هم افتاد، اما اشکال کار این بود که جنبش انصارالله به طور کامل از معادلات سیاسی یمن کنار گذاشته شد. در واقع انقلابی در یمن رخ داده بود، اما هیچ چیز تغییر نمی‌کرد. انصارالله این طرح را مردود اعلام کرد. با این حال، همین وضعیت با روی کار آمدن عبدربه منصور هادی نیز ادامه پیدا کرد. قرار بود هادی به مدت دو سال، تا انتخابات جدید در سال ۲۰۱۴، قدرت را به دست بگیرد. در نتیجه این تحولات، دولتی فاسد و ناپایدار در یمن شکل گرفت و وضعیت اسفناک مردم تشدید شد. این فساد تأثیر منفی بر مردم و وضعیت اقتصادی آن‌ها گذاشت و رابطه بین دولت و مردم بدتر شد. وضعیتی که در دوران حکومت صالح وجود داشت، در زمان هادی

داد. مذاکراتی هم میان حوثی‌ها با دولت شکل گرفت، اما به علت کارشکنی و بدعهدی دولت، سید بدر الدین به منطقه النشور بازگشت. پس از شهادت سید حسین، همه چشم‌ها به سمت «عبدالله الرزازی» همکار سابق سید حسین در مجلس معطوف شد.

در اواخر ماه ژانویه سال ۲۰۰۵، علی عبدالله صالح جنگ دوم خود علیه حوثی‌ها را به راه انداخت. در این جنگ رهبری شاخه نظامی جنبش الشباب المؤمن به دست عبدالله الرزازی بود. با وجود تلاش‌های بسیار وی و شهادت تعداد زیادی از اعضای جنبش، این جنگ هم با شکست حوثی‌ها و دستگیری الرزازی در ۲۷ مارس به پایان رسید. بعد از این جنگ دوم بود که رهبری جنبش را به عبدالملک الحوثی سپردند. وی سال ۱۹۷۹ در صعدة متولد شده بود و فرزند کوچک‌تر سید بدرالدین محسوب می‌شد و با توجه به توانایی‌های ذهنی و خصوصیات شخصیتی به مقام رهبری الشباب المؤمن رسید. وقتی محبوبیت عبدالملک بالاتر رفت، او شروع به آموزش ایدئولوژیک اعضای جنبش بر اساس آموزه‌های

سید حسین کرد. همچنین جوانانی را به صنعا اعزام نمود تا این ایدئولوژی‌ها را گسترش دهند. این فرستادگان با خشونت نیروهای امنیتی دولت مواجه می‌شدند و به زندان می‌افتادند. دولت به اعضای الشباب المؤمن فرمان می‌داد در کوه‌های محل اقامت خود بمانند و حتی پیشنهاد پرداخت پول برای ماندن در محدوده خودشان را به آن‌ها داده بود. با این وجود، سید عبدالملک این خواسته دولت را رد می‌کرد و همین درگیری‌ها باعث بروز جنگ سوم شد؛ جنگی که آغاز پیروزی‌های حوثی‌ها بود.

هدف دولت در این جنگ، نابودی کامل جنبش تحت رهبری عبدالملک بود. در این راه به عربستان سعودی و آمریکا نیز متوسل شد. جنگ سوم که سال ۲۰۰۶ رخ داد به رهبری علی محسن الاحمر از سوی آغاز شد، اما نهایتاً با خسارت‌های سنگین نیروهای دولتی به پایان رسید. اکنون جایگاه عبدالملک به عنوان رهبر الشباب المؤمن و جایگاه حوثی‌ها به عنوان قهرمانان ملی در یمن تثبیت شده بود. صالح به دنبال انتقام از حوثی‌ها بود و خود را آماده جنگ چهارم می‌کرد. این جنگ با یورش ناگهانی دولت با تمام سلاح‌هایی که در اختیار داشت به یک منطقه کوچک آغاز شد و حملات حتی برای یک ساعت هم متوقف نمی‌شد. الشباب المؤمن در برابر این تجاوز هم ایستادگی و اعلام پیروزی کردند. این پیروزی حوثی‌ها را قادر به تثبیت بیش‌تر موقعیت و حتی مذاکره با دولت نمود.

به‌رغم همه این‌ها، جنگ پنجمی هم در گرفت و این بار حوثی‌ها بودند که موفق به پیش‌روی شدند. توانستند ماران را به کنترل خود دریاورند و دولت را به عقب‌نشینی از این منطقه و مناطق دیگر در صعدة کردند. جنگ پنجم مارس سال ۲۰۰۸ شروع شد و ژانویه سال بعد با پیروزی قاطع حوثی‌ها به پایان رسید. این پیروزی‌ها باعث شد تا مردم با جنبشی که از این پس با نام انصارالله شناخته می‌شد بیش‌تر آشنا شوند. انصارالله با سرعت فوق‌العاده‌ای گسترش یافت و به فراتر از استان صعدة نفوذ کرد.

در جنگ ششم میان دولت یمن و انصارالله، عربستان سعودی و آمریکا آماده پیوستن به نبرد در حمایت از دولت بودند و سرانجام ۲۸ کشور درگیر جنگ شدند. عربستان سعودی که در همه جنگ‌های قبلی از دولت یمن حمایت کرده بود، در این جنگ مستقیماً وارد شد و از جنگنده‌های خود و بمب‌افکن‌های آمریکایی استفاده کرد. همچنین تلاش کردند وارد صعدة شوند و انصارالله را به طور کامل از بین ببرند. این جنگ در مقایسه با جنگ‌های قبلی دشوارترین و پیچیده‌ترین جنگ برای انصارالله بود. با این حال، آمار تلفات متجاوزان یعنی عربستان سعودی، یمن و دیگر کشورها، آن‌قدر بالا رفت که شکست آن‌ها را رقم زد و آبروی ارتش‌هایشان را نزد سایر کشورها برد.

نتیجه جنگ، پیش‌روی انصارالله به درون خاک عربستان، به خصوص در مناطق کوهستانی الدخان و

سیاسی – اجتماعی – فرهنگی
◀ شماره ۸ ◀ شماره مسلسل ۱۵۰۲ ◀ نیمه دوم تیر ۱۳۹۴ پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

صنعا آماده و در آن بر صلح، آشتی و مشارکت همه گروه‌ها در اداره کشور تأکید شده بود. با این حال، شرایط آن‌گونه که یمنی‌ها انتظار داشتند، پیش نرفت. عربستان سعودی، رژیمی که به شکل موروثی و نه با انتخابات روی کار می‌آید، از دولت مردمی و مستقل در نزدیکی مرزهای خود وحشت داشت. همان‌طور که روی‌دادهای آینده نشان داد، سعودی‌ها مشروعیت و دموکراسی مردم یمن را به بهانه حفظ آن چیزی هدف قرار داده‌اند که خود از آن محروم هستند. آن‌ها نمی‌خواهند دولت‌های مردمی در منطقه روی کار بیایند چرا که این دولت‌ها مانع سیاست‌های سعودی‌ها در غصب زمین، نفت، و انرژی کشورهای دیگر می‌شود. منبع:مشرق

طرح تجزیه منطقه از واقعیت تا توهم

به گونه ای است که عبور از آن ساده نیست. البته این سخن به معنای آن نیست که می توان استراحت کرد و اقدامی انجام نداد چرا که یک وپروس هر اندازه هم که ضعیف باشد می‌تواند یک جسم قوی را تحت فشار قرار دهد. وپروس تجزیه تا زمانی که جسم منطقه با وجود محور مقاومت بازدارنده و قوی باقی بماند، کاری از پیش نخواهد برد و این اطمینان همچنان وجود دارد.

بیست هزار مزدور پاکستانی برای سرکوب بحرینی ها!
العالم – مستشار سفارت پاکستان در منامه، تعداد پاکستانی های را که در وزارت کشور بحرین کار می کنند، بیست هزار نفر اعلام کرد.
«مقصود لادیر جاه» مستشار سفارت پاکستان در منامه در گفتگو با روزنامه بحرینی «الوسط» گفت تعداد پاکستانی های مقیم بحرین به صد هزار نفر می رسد که اکثر آنان یعنی حدود ۶۰درصد، در بخش های ساختمانی و یا به عنوان راننده کار می کنند؛ این درحالیست که حدود بیست درصد از مجموع پاکستانی ها در بحرین به عنوان ماموران امنیتی در وزارت کشور و برخی دیگر از وزارت خانه های بحرین کار می کنند، اما در بخش های دولتی دیگر نیستند.
وی افزود که پاکستان بعد از هند و بنگلادش، از لحاظ تعداد کارگران مقیم دربحرین در رتبه سوم قرار دارد ؛ این درحالیست که این کشور چند سال پیش رتبه اول را داشت. لادیرجاه درباره روابط میان بحرین و پاکستان گفت که بعد از سفر شاه بحرین به پاکستان یخ روابط دو کشور آب شد، به ویژه اینکه توافقهای زیادی میان دوطرف در زمینه های امنیتی، اقتصادی یا فرهنگی امضا شد.
سرکوب مخالفان و تظاهرکنندگان بحرینی توسط مزدوران خارجی از سیاست های مهم رژیم آل خلیفه طی چهار سال گذشته به شمار می آید.
این رژیم در کنار بهره گیری از نظامیان سعودی و اماراتی در سرکوب تظاهرات مردمی که از سال ۲۰۱۱ در بحرین آغاز شده است ، مزدورانی از برخی کشورهای آسیایی برای تقویت نیروهای امنیتی ، اطلاعاتی و پلیس خود به کار گرفته است.
اعطای تابعیت بحرینی، یکی از سیاست های تشویقی رژیم آل خلیفه برای جذب مزدوران خارجی درسالهای گذشته بوده است.
این درحالیست که بسیاری از بحرینی های مبارز در اقدامی کم سابقه توسط رژیم آل خلیفه لغو تابعیت شده‌اند. بحرین از زمان سرکوب قیام مردمی در سال ۲۰۱۱ میلادی تاکنون شاهد موج اعتراضات مردمی است که خواستار اصلاحات سیاسی در این کشور هستند.
رژیم آل خلیفه با کمک نظامیان عربستان و ماموران امنیتی امارات که در قالب نیروهای سپر جزیره در بحرین مستقر شده اند، اعتراضات مردمی این کشور را با شدیدترین شکل سرکوب می کند.

سید عبدالملک دستور داد از معترضان در برابر حملات گروه‌های مسلح دفاع شود، و این به معنای شروع درگیری مسلحانه بود. در این درگیری‌ها قرارگاه لشکر یک زرهی به تصرف کمیته‌های مردمی درآمد. سقوط این پایگاه به عنوان نماد عده‌ای که چندین دهه بر یمن اعمال قدرت کرده بودند، اهمیت ویژه‌ای داشت. پس از سقوط این پایگاه و فرار علی محسن الاحمر که اکنون در عربستان سعودی است، همه احزاب سیاسی یمن به این نتیجه رسیدند که انصارالله اکنون قوی‌ترین نیروی یمنی است. انقلابیون همچنین توانستند صنعا را پیش از استان‌های دیگر تصرف کنند.

پس از سقوط صنعا بسیاری انتظار داشتند خشونت‌هایی شبیه به آنچه در جنوب اتفاق افتاده بود، این بار هم در قالب غارت، قتل، تجاوز به اموال مردم و حمله به بانک‌ها تکرار شود، اما این‌گونه نشد و مردم یمن متحمل هیچ‌گونه خسارت مادی نشدند. وضعیت در یمن پس از فرار علی محسن الاحمر به عربستان سعودی آرام شد. همه احزاب سیاسی و گروه‌های مختلف یمنی از جمله انصارالله و جنبش جنوب، پای سندی را امضا کردند که قبل از سقوط

یک دولت مردمی توسط افراد شایسته که بتوانند کشور را از بحران کنونی خارجی کنند، و برگزاری مذاکرات ملی طی ۸ ماه آیند.

به دعوت عبدالملک، هر هفته بعد از نماز جمعه در صنعا تظاهرات صورت می‌گرفت. در ابتدا دولت این اعتراضات را جدی نمی‌گرفت و فکر می‌کرد مانند موارد قبلی، بعد از مدتی این نیروی مردمی فروکش خواهد کرد. اما انصارالله برنامه‌ای از پیش سازماندهی‌شده داشت: تقاضاها باید با صبر و اصرار و البته به شکل صلح‌آمیز مطرح می‌شد.

«جمال بن عمر» نماینده ویژه سازمان ملل متحد که با مأموریت آرام کردن اوضاع و پیدا کردن راه‌حل سیاسی روانه یمن شده بود، با پاسخ منفی علی محسن الاحمر و برخی فرماندهان حزب الاصلاح به هر گونه راه‌حل سیاسی مواجه شد که خواسته‌های انصارالله را تصدیق می‌کرد و این گروه را در کنار گروه‌ها و احزاب دیگر به رسمیت می‌شناخت. کشتار مردم یمن به دست نیروهایی که نمی‌خواستند دور میز مذاکره بنشینند، انصارالله را مجبور کرد دست به اسلحه ببرد.

رویکرد باید پیگیری کنند:

اول اینکه مسیحیان در دریای واگرای اسلامی از جمله در لبنان جایگاهی ندارند، در نتیجه باید مهاجرت کنند، قائلان به این نظریه به اتفاقاتی که برای مسیحیان فلسطینی و عراق و سوریه افتاده است، استناد می‌کنند. تنها مسیحیت لبنان باقی مانده است. این نظریه پردازان اعتقاد دارند که پاپ این خطر را درک کرده و معتقد است که باقی ماندن مسیحیت در مشرق زمین در گرو متحد ماندن سوریه و نظام کنونی این کشور است، بنابراین پیام حمایت معنوی خود را در نشست سران که در دمشق با مشارکت تمامی اسقف‌های انطاکیه و سائر طوائف مسیحیت مشرق زمین برگزار شد، به گوش دولت سوریه رساند.

نکته دوم اینکه در سایه غیرممکن بودن ایستدگی در برابر پروژه تجزیه طلب و واگرا، باید به دنبال برون رفتی معقول برای حفظ موجودیت مسیحیان در مشرق زمین بود، برون رفتی که ماهیت وجودی یا کارکردی آنها را از تهدیدات دور نگه دارد. این موضوع تنها با دادن فرصت به مسیحیان لبنان در ایجاد فدرالیزه کردن فرقه ای لبنان امکان پذیر است، این چیزی است که میشل عون رئیس جریان آزاد ملی لبنان به آن پرداخته است.

البته در صورت اجرای این طرح لبنان به صورت ظاهری وحدت خود را حفظ می کند،اما عملا این کشور نیز به رژیم های فرقه ای با استقلال داخلی تبدیل خواهد شد. مروجان این دیدگاه به اعلام انگیزه مسیحیان بین جریان آزاد ملی و نیروهای لبنانی در مورد تأکید بر مرکز گریزی گسترده اشاره می کنند و شگفتی خود را از مواضع مسیحیت در این زمینه ابراز می کنند، موضعی که تازه ترین آنها اظهارات میشل عون در زمینه فدرالیزه سازی لبنان و طرح آن به عنوان تنها گزینه خروج از خطر موجودیتی و انزوای مسیحیان در لبنان است.

علاوه بر اینها می بینیم ارنن نیز با فریب خوردن در زمینه افزایش مرزهای خود در برابر میزبانی اهل تسنن در شرق سوریه و غرب عراق چگونه خود را در ابعاد منطقه ای برسته کرده و خود را آماده تشکیل مملکت عربی متحد و جدیدی می‌کند که فلسطینی های موجود در اراضی اشغالی را نیز در خود جای دهد و بپذیرد. به این ترتیب مشکل مردم شناختی اسرائیل نیز با مهاجرت دادن فلسطینی ها که آرمان دیرینه آن ها است حل می‌شود و می‌تواند یهودیت دولت اسرائیل را در فلسطین اشغالی استحکام بخشد.

در سایه این واقعیت‌ها، سؤالی که مطرح می کنیم از حقیقت یا جدیت پروژه های تجزیه و ملزومات آن است. در پاسخ به این سوال اولاً ما معتقد هستیم که برخلاف توهم برخی گروه‌ها تجزیه راه حل مشکلات منطقه نیست، بلکه زمینه ساز قطعی دور تازه‌ای از درگیری های خونین است که بلافاصله ایجاد می شود و توقف نخواهد داشت، درگیری هایی که همه گروه ها را دچار فرسایش و ویرانی می کند و به صورت پروژه جنگ دائمی ادامه پیدا می نماید. به این ترتیب کسانی که برای حل بحران منطقه ای به دنبال تجزیه آن باشند، خود را

و کشتار عده‌ای از این جوانان مواجه شد. پیروان جنبش انصارالله نیز نهایتاً دست به اسلحه بردند و حماسه‌ای تاریخی را آغاز کردند. درگیری‌ها در عمران از اهمیت زیادی برخوردار بود و معادله قدرت را در یمن تغییر داد. وضعیت در صنعا به گونه‌ای پیش می‌رفت که حضور انصارالله در پایتخت را به واقعیت نزدیک‌تر می‌کرد.

در شرایطی که مردم در یک قدمی شورش قرار داشتند، دولت تصمیم گرفت به افزایش قیمت بنزین و سوخت‌های دیگر را افزایش دهد. قیمت‌ها در یک لحظه دو برابر شد و فشار فوق‌العاده‌ای به شهروندان یمنی آورد؛ افرادی که پیش از این هم از مشکلات اقتصادی شدید رنج می‌بردند. عبدالملک الحوثی در یکی از سخنرانی‌های خود می‌گوید: «این وضعیت اسفناک امروز ما یمنی‌هاست. من از ملت بزرگ و مقاوم یمن می‌خواهم فردا به خیابان‌ها بیایند و تظاهرات باشکوهی برگزار کنند و صدای خود را به گوش جهان برسانند.» مردم از اقوام و مذاهب مختلف، کمپ‌های بزرگی در اطراف صنعا تأسیس کردند. انصارالله در صنعا مردم را به اقدام فراخواند و سه شرط برای دولت تعیین کرد: بازگشت قیمت سوخت به نرخ قبلی، تشکیل

«امین حطیط» تحلیلگر مسائل راهبردی منطقه در مقاله ای در روزنامه البناء لبنان نوشت در سایه افزایش زمزمه‌ها مبنی بر تجزیه چند وجهی کشورهای منطقه به عنوان راه حل مشکلات و جنگ های آنها و جایگزینی برای پروژه سلطه طلبی کامل آمریکا بر این کشورها و در کنار مقاومت قهرمانانه سوریه به همراه محور مقاومت تحرک منطقه ای سه‌جانبه سوریه ، عراق و ایران به صورت معکوس در برابر پروژه تجزیه طلبانه قرار گرفته است، چرا که روند این پروژه خودکشی و ویرانی است و باید با آن مقابله کرد و امنیت و ثبات را با هر هزینه ای به منطقه بازگرداند.

ما روند پروژه تجزیه منطقه ای با وجود برخی سیگنال ها را انکار نمی کنیم، سیگنال هایی که ممکن است به عنوان شاخص و ادله حسی حامی رویکردهای کسانی باشد که تجزیه را تنها راه حل می دانند که روند جنگی جاری در منطقه که در ظاهر از پنج سال پیش و در اصل از بیش از یک دهه پیش آغاز شده، به آن ختم خواهد شد. اخیراً به شکلی قاطع و ملموس مشخص شده که اجرای پیروزی پروژه تجزیه طلبانه آمریکایی و مزدوران آنها بر ضد منطقه غیر ممکن است، به این ترتیب کودتای استراتژیک آمریکا به پروژه تجزیه واگرایانه منطقه ای تبدیل شده که امروز شاخص های زیادی در مورد آغاز اجرای آن وجود دارد.

در این میان آمریکا به جای تعامل با دولت مرکزی یکپارچه عراق به دنبال تلاش برای تعامل با سه اقلیم به صورت تجزیه شده بر آمده است، همچنین حمایت قابل توجه هوایم‌های آمریکایی از کردهای سوریه در شمال شرقی این کشور که به شکست داعش در برابر این گروه منتهی شده نیز در این راستا قرار دارد و باعث شده آن ها موفق به توسعه منطقه نفوذ خود در سوریه از عین العرب تا تل ابیض تا حسکه و حومه شمالی الرقه شده اند. همچنین از لیست قراین موجود نباید زمزمه های اخیر در زمینه انگیزه اسرائیل برای ایجاد کمربند امنیتی در جنوب سوریه و لبنان را خارج کرد، کمربندی که مبتنی بر حضور عناصر دروزی باشد.

تأثیر تحولات منطقه ای با استناد به این قواعد و شواهد دیگر ممکن است این اعتقاد را ایجاد کند که تجزیه یک واقعیت و حقیقت است و تنها کاری که در عرصه میدانی باقی مانده، این است که شرایط گروه های مختلف بهبود پیدا کرده و مناطق تحت سلطه هر کدام از این ها بر ضد طرف های رقیب افزایش پیدا کند. اما موضوعی که خطرناک تر از باقی مسائل خود را نشان می دهد، در رابطه با مسیحیان شرقی است ، به ویژه اینکه پروژه های تجزیه سوریه و عراق جایگاه و موقعیتی برای آنها در نظر نگرفته است.

براساس مطالب تبلیغ شده عراق باید به سه کشور شیعه ، سنی و کرد تقسیم شود، یعنی مسیحیت در آنجا جایگاهی ندارد. طرح تجزیه سوریه نیز براساس رویکردهای سنی و علوی و دروز و کرد است، یعنی مسیحیت در این طرح نیز جایگاهی ندارد. به این ترتیب مسیحیان در هر منطقه ای سرنوشت خود را بر اساس دو

اظهار تأسف شدید

آیت الله امینی از معرفی چند گانه شیعه در کشور

آیت الله ابراهیم امینی در دیدار با دکتر آیت پیمان و اعضای دبیرخانه شورای دین پژوهان با وی، ضمن تشکر از ارائه گزارش های علمی خارج کشور مدیرمسئول دین پژوهان گفت: بر اساس تجربیات و سفرهای خارجی متعددی که در دوران مسئولیت خود داشته‌ام، بسیاری از مسائل و انتقادات مطرح شده را وارد می‌دانم و توصیه می‌کنم گزارش‌های کاملی از سفرهای خود و واقعیت‌های موجود به محضر مقام معظم رهبری و مسئولان دفتر ایشان برای پی‌گیری ارائه کنید.

وی افزود: این که ما با برگزاری چند همایش و کنفرانس و ارائه گزارش‌های آن به مسئولان فکر کنیم اسلام و انقلاب را صادر و گرایش به اسلام و بیداری اسلامی را ایجاد کرده‌ایم تصور درستی نیست، بلکه مهم این است که بدانیم از معرفی اسلام چه کسی بیشترین بهره‌برداری را می‌کند، و به عبارتی کدام اسلام معرفی می‌شود.

وی ادامه داد هم اکنون در فرانسه و انگلستان، اسلام دومین دین است، در آلمان و دیگر کشورها هم گرایش خوبی به اسلام وجود دارد اما ما نباید چشم‌های خود را ببندیم چرا که واقعیت این است که در حال حاضر از موج اسلام‌گرایی که ما ایجاد کردیم وهابیت بیشتر از خود ما بهره‌برداری می‌کند و هم اکنون اسلام بیشتر از ناحیه وهابیت شناخته و معرفی می‌شود، چرا که ما منابع کافیمالی، امکانات و کتاب‌های مفید به زبان خارجی برای معرفی شیعه نداریم و سرمایه‌گذاری مناسبی در این زمینه انجام نمی‌دهیم.

آیت الله امینی ضمن تشکر از دبیرخانه دین پژوهان کشور به لحاظ برگزاری دهمین مراسم تحلیل از پژوهشگران برتر حوزه دین گفت: من همان‌گونه که پیشتر هم گفتم انتظاری برای برگزاری این مراسم و تحلیل نداشتیم و از زحمات شما و همکارانتان هم تشکر می‌کنم و درباره فعالیت‌های بعدی در این زمینه هم توقعی ندارم و هر کدام از کارهای بنده که در مسیر اهداف و کارهایتان است و صلاح می‌دانید اقدام کنید. همایش برگزار شده هم به لطف خدا خوب بوداما از صدا و سیما گله دارم و معتقدم که وظیفه خودش را در زمینه اطلاع‌رسانی این مراسم به درستی انجام نداد.

آیت الله امینی در ادامه به لزوم انجام پژوهش‌های درون دینی و تحقیق و پژوهش در موارد موجود در بحث دین و عقاید دینی را از جمله مسائلی که لازم است دبیرخانه دین پژوهان در دستور کار خود قرار دهد عنوان کرد.

عضو شورای تشخیص مصلحت نظام ضمن انتقاد شدید و ابراز نگرانی از معرفی چندگانه اسلام در کشور گفت: متأسفانه ما هم‌اکنون معرفی دقیق، روشن و واحدی از تشیع راستین و واقعی شیعه، حتی در میان علما و حوزه علمیه قم که پرچم دار تشیع است، نداریم و هر کس این مذهب را با نگاه خاص خود معرفی می‌کند و حتی گاهی دیده می‌شود نویسندگان، مداحان، علما، سخنرانان و منبری‌ها یکدیگر را تکذیب می‌کنند و این وضعیت واقعا دردناک است و موجب می‌شود بسیاری از جوانان با این تناقض‌ها منحرف شوند.

وی در پایان گفت: لازم است دین پژوهان برای این مشکل وارد کار شوند، حقایق را روشن کنند، جلوی افکار مختلف را بگیرند و راه حلی برای این مشکل پیدا کنند، چرا که اگر ما در دورانی که نظام جمهوری اسلامی حاکم است نتوانیم تشیع را به درستی معرفی کنیم واقعا جای تأسف دارد.

یادی از صادق آئینه‌وند به مناسبت چهلمین روز درگذشت

آینه صادق



جامعه، اقتصاد و سیاست، دستی‌توانا داشت، خطیبی پرجاذبه و سخنرانی چیره‌دست بود و اجتماعات پرشور عصر خویش را می‌توانست به خوبی رهبری کند. آیت الله طالقانی از نخبگان عصراند و شاید هر عصری نتواند حتی گاه، یکی از آن‌ها را در خود بپروراند.»

پس از گزارش مبسوطی درباره آیت الله طالقانی، به شخصیت دیگری می‌پردازد و در منقبت و فضائل علامه سید جعفر شهیدی، مطالبی می‌نگارد که به قول خودش با «بی‌تابی قلم همراه بوده» است تا «در کوی دوست نخلد و پیامی نهد!» و می‌نویسد: «آن نادر عصر و فرهیخته قرن، مرد دانای معنوی، سید الافاضل و استاذ الاکابر دکتر سید جعفر شهیدی دامت برکاته... فرهیخته‌ای که علوم حوزه را با علوم دانشگاهی به هم جمع کرده و در هر دو سرآمد و نام آور است... لغوی، مورخ و ادیبی را مشاهده می‌کنم که ژرف کارانه در علوم اسلامی رنج برده و خالصانه آن دانش‌ها را زینت وجود کرده است. به شیمه وارستگان پیوسته، بی‌هیچ ادعا سخن می‌گوید... خدا را گواه می‌گیرم که: توحید و اخلاق و تهجد از میان آنان که از نزدیک می‌شناسم کمتر کس من در عمر خود یافته‌ام که بتواند با استاد برابری کند. او از موجدان عصر و زاهدان روزگارند که در توحید مقامی ناشناخته دارند و من اوصاف این موحد را به وقت دیگر حواله می‌دهم. رمزی از آن خوش حالی‌ها را که در آینده باز خواهیم گفت...»

این جملات کوتاه، از یک مقاله مبسوط، نشان دهنده عمق عشق و علاقه صادق به استادش دکتر شهیدی است و افسوس که بیان و تبیین مقام و احوال توحیدی او را به وقت دیگری حواله داد و آن در اختیار دوستان و علاقمندان قرار نگرفت. درست است که دکتر شهیدی را خیلی‌ها به علم و فضل و دانش و تقوا و زهد و بی‌اعتنایی به دنیا و توغل در علم و الگو بودن در اخلاق حسنه می‌شناسند، اما مرحله‌ای را که صادق به آنها اشاره می‌کند و خود شاهد و ناظر چگونگی آن بوده، افسوس که بیان نشد!

صادق علاوه بر این دو بزرگوار، شرح مبسوطی هم درباره علامه شیخ عبدالحسین امینی و نقش وی در احیای تاریخ فراموش شده «غدير» می‌نگارد و آنگاه به معرفی سه مورخ بزرگ تاریخ اسلام در عصر ما، علاوه بر مالک بن نبي می‌پردازد که عبارتند از: دکتر محمد عابد الجابری، دکتر یوسف العث و عباس محمود العقاد. و این نشان می‌دهد که او در معرفی شخصت‌ها، تعصب ویژه‌ای ندارد بلکه به دنبال بیان حق و حقیقت است ولو اینکه از لحاظ عقیدتی با آنان، یکسان نیست.

این، علاوه بر نوشته‌های صادق درباره شخصیت‌های برجسته تاریخ اسلام، از آغاز تا قرون بعدی است که علاقمندان به آشنایی با آنها حتماً کتاب «سی سال با تاریخ» را که شامل پنجاه مقاله محققانه او است، مطالعه نمایند. علاوه بر مجموعه، ده‌ها کتاب و رساله و مقاله تحقیقی، اعم از تألیف و ترجمه، و به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی از صادق به یادگار مانده است که هر کدام به نوبه خود، دارای ارزش خاصی است. از جمله آثار تألیفی است: علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، قیام‌های شیعه (۱ و ۲)، ادبیات سیاسی تشیع، دین و فلسفه از دیدگاه این رشد، تاریخ سیاسی اسلام، علم

آشنائی من با صادق آئینه‌وند، به دورانی برمی‌گردد که او تحصیلات مقدماتی و دبیرستانی خود را در توپسرکان و اسدآباد همدان، به پایان رسانده و به تهران آمده بود تا به عنوان دانشجویی، در دانشگاه شرکت کند... و صادق دانشجویی بود: آرام، ساکت، کم حرف، متین، محبوب، اما جستجوگر و آگاهی‌طلب... و در همین رابطه بود که بعدها از دائره تخصص تحصیلی خود فراتر رفت و به جای انحصار درپژوهش ادبیات عرب، به تحقیق در مسائل تاریخ قدیم و رجال قرون نخستین و به تاریخ اسلام و تشیع - و بعد تاریخ معاصر - نیز پرداخت. و البته در این راه، گام‌های مثبت و مفیدی برداشت و آثار و مقالات محققانه ماندگاری از خود به یادگار گذاشت که خوشبختانه مجموعه‌ای از آن‌ها را که قبلاً به شکل مقاله در مجلات علمی - تاریخی منتشر شده بود. در یکی دو سال قبل، تحت عنوان «سی سال با تاریخ» به دست چاپ سپرد که می‌تواند منبع خوبی برای محققان تاریخ و نسل جوان دانشجو تواند بود.

صادق در این کتاب، از همسر و فرزندان خود سپاسگزار است که او را در تهیه و تألیف و تنظیم آثار خود، یاری داده‌اند و به همین مناسبت در پایان مقدمه این مجموعه می‌نویسد: «... باید ارجگذار همسر محترم و فرزندانم باشم که گذشته از فراهم آوردن محیطی آرام برای کار، با دلگرمی دادن و مساعدت کردن بایسته در تدوین و این تصمیم رأی مجموعه نقش اساسی داشتند.»

در اینجا اشاره به این نکته بی‌مناسبت نخواهد بود که همسر گرامی او، دختر مرحوم حاج خلیل آقا فروغی است که او پسرخاله اینجانب بود و خانواده «فروغی»‌ها خانواده‌ای اصیل و نجیب و دارای اخلاق حسنه و روش و منش ستودنی است. حاج خلیل آقا و فرزندان، اعم از دختر و پسر، از اصالت و نجابت خانوادگی بهره فراوان برده‌اند و هم‌اکنون نیز الگو و نمونه صفات نیکو هستند. البته این رابطه سببی، باعث انس و الفت بیشتر با صادق گردید و روابط فیما بین را تحکیم بخشید که صبغه‌ی علمی - فرهنگی در آن بر دیگر زوایا، برتری داشت و ما را به هم نزدیکتر می‌ساخت.

... رشته تخصصی صادق ادبیات عرب بود ولی او از زاویه دیگر، وارد تاریخ شد و در این رشته نیز مهارت و دقت خود را نشان داد. اشاره شد که او نخست بیشتر به تاریخ قدیم و قرون نخستین و شرح زندگی یا آثار رجال پیشین اهتمام می‌ورزید، اما کم‌کم و با توجه به نیاز نسل جوان، به ثبت تاریخ و شرح حال رجال معاصر نیز، در ایران یا بعضی بلاد عربی و اسلامی اقدام نمود و علاوه بر رجال قرون ماضیه، به شرح زندگی و فعالیت رجال معاصر نیز پرداخت و به ثبت و نشر شرح زندگی و معرفی آثار شخصیت‌هایی چون آیت الله طالقانی، دکتر سید جعفر شهیدی و دیگران همت گماشت.

صادق مثلاً در شناخت و شناسائی آیت الله طالقانی، ضمن بیان اینکه حکیمان انسان‌ها را از لحاظ منش و شخصیت به «عظیم و قدیر» تقسیم کرده‌اند و ضمن بیان معنی و مفهوم این دو کلمه و شرح صفات انسان بزرگ منش و عظیم، آیت الله طالقانی را «در ردیف فرصت‌سازان عظیم بشری» به شمار می‌آورد و سپس می‌نویسد:

«... این‌چهره دانا و نجیب، در حقیقت عالمی بود در کسوت مصلح، بیش از نیم قرن برای بسط اخلاق، معنویت، آزادی و فضیلت کوشید و با تمام رنج‌ها، ناگوارائی‌هایی که از نامردمان عصر خویش دید، هیچ گاه از خیرخواهی و خیررسانی دست نکشید... در علوم اسلامی روشن‌گری و روشن‌بینی را زینت‌بخش خود کرده بود. موقعیت و مقام روحانی و فره‌مندی اجتماعی را به مثابه‌ی یک زعیم معتمد، مقامی از او ساخته بود که کمتر کسی در دوران معاصر توانسته بود جامعیت مبارزاتی و ویژگی‌های اخلاقی و زیورهای علمی را یکجا در خود جمع کند. در تفسیر کتاب خدا، تحلیل

تاریخ در اسلام ... از آثار ترجمه‌ای اوست: خاندان وحی در احادیث اهل سنت، شک و شناخت (ترجمه المنقذ من الضلال غزالی)، قیام عبد القادر جزائری، نقش و رسالت مسلمان در اواخر قرن بیستم (ازمالک بن نبي)، نهضت ترجمه در شرق جهان اسلام، مالک بن نبي، اندیشمند مصلح (از دکتر اسعد سحمرانی) و...

پاره‌ای از آثار ترجمه‌ای صادق مانند: «نقش و رسالت مسلمان، مالک بن نبي اندیشمند مصلح و مقاله اندیشه‌های تاریخی مالک بن نبي» نشان می‌دهد که او در همه جا به دنبال کشف اندیشه‌های نو درباره «تاریخ اسلام» از قرون نخستین تا عصر حاضر بود و به همین دلیل حتی اگر مطلبی را در آثار یک متفکر الجزائری می‌یافت، به ترجمه و نشر آن می‌پرداخت.

یادنامه سید جمال

... سالیانی پیش جلد اول یادنامه «سید جمال الدین حسینی اسدآبادی» را که شامل مقالات عیدیه‌ای از عناصر فرهیخته و برجسته و محققان داخلی و خارجی، درباره سید بود، توسط موسسه «دار الفکر» قم منتشر ساخته بودم و در رابطه با تهیه مقالات جلد دوم آن، روزی در دیداری در یک محفل علمی دوستان، ازصادق خواستم که مقاله‌ای درباره سید تهیه کند تا در جلد دوم یادنامه، منتشر گردد. صادق که در کار تاریخی و یا یک اقدام فرهنگی همیشه پیشگام بود، بی‌درنگ قبول کرد که مقاله‌ای در این زمینه در اختیار من بگذارد و اشاره کرد که یک کتابی در دست ترجمه دارد از دکتر اسعد السحمرانی که فصلی از آن، درباره مصلح بزرگ، سید جمال الدین حسینی، از دیدگاه شخصیت فرهنگی فرهیخته و نامور الجزائر «مالک بن نبي» است و آن بخش را در اختیار من خواهد گذاشت.

طولی نکشید که مقاله ترجمه‌ای را در این موضوع، به من دادتا در جلد دوم یادنامه سید، درج شود؛ ولی مدت‌ها طول کشید تا مقالات جلد دوم آماده چاپ شود - و نشد! - و صادق اصل کتاب را بعدها، تحت عنوان: «مالک بن نبي، اندیشمند مصلح» توسط «دفتر نشر فرهنگ اسلامی» منتشر ساخت...

من همچنان آن مقاله را در بین اوراق و مقالات مربوط به سید جمال الدین نگهداشته بودم که پس از درگذشت صادق به دست آمد و انشاءالله به زودی به چاپ می‌رسد.

کارنامه

... صادق آئینه‌وند به سال ۱۳۳۰ در روستائی در حوالی توپسرکان به دنیا آمد. دروس ابتدائی را در همانجا آموخت و دوران دبیرستان را در اسدآباد همدان گذراند و سپس به تهران آمد و در دانشگاه تهران، به ادامه تحصیل در رشته ادبیات عربی پرداخت و همزمان فعالیت‌های فرهنگی خود را گسترش داد و با تأسیس کتابخانه دانشجویی تحت عنوان: «ن. و القلم» در واقع حرکت سیاسی - دانشجویی را در آن محیط سامان داد. پس از پیروزی انقلاب در مقطع کارشناسی ارشد ادبیات عرب در دانشکده ادبیات ادامه تحصیل داد و بخشی از دروس حوزوی را نیز آموخت و در ۱۳۶۱ عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس شد و در سال ۱۳۶۲ به عنوان سرپرست رازینی فرهنگی ایران اسلامی رهسپار سوریه گردید و همزمان در دانشگاه «القديس يوسف» در لبنان، به تحصیل در مقطع دکتری در ادبیات عرب ادامه داد و پس از اخذ درجه‌ی دکتری و بازگشت به ایران، در دانشگاه تربیت مدرس و دانشگاه الزهرا قم و... تاریخ اسلام و سیره نبوی و ادبیات عرب را تدریس کرد و سپس مسئولیت‌های فرهنگی مختلفی را به عهده گرفت و در این اواخر در دی ماه ۱۳۹۲ به عنوان «رئیس پژوهشگاه علم انسانی و مطالعات فرهنگی» از طرف ریاست محترم جمهور، منصوب گردید و تا روز درگذشت - به تاریخ ۹۴/۲/۱۶ - در این پژوهشگاه به خدمات خود ادامه داد.

رحمه الله و أسكنه فصیح چنانه سیدهادی خسروشاهی - قم (چهلمین روز درگذشت)

آیت‌الله حسینی بوشهری:

طلبه گوشه نشین عامل به علم نیست

آیت‌الله سید هاشم حسینی بوشهری در مراسم افتتاحیه اردوی مکالمه عربی حوزه علمیه استان قم که در مدرسه علمیه امام محمدباقر(ع) برگزار شد، با اشاره به حدیثی از امام صادق(ع) اظهار کرد: اینکه در شروع تعطیلات تابستانی به دغدغه بزرگان حوزه‌های علمیه قم و نجف پرداخته می‌شود، کار نیکویی است اما این امر باید استمرار داشته باشد.

وی با بیان اینکه فرد عالمی که از علم خود استفاده کند از ۷۰ هزار عابد برتر است تصریح کرد: فردی که می‌خواهد به علم خود عمل کند نباید تمایلی نسبت به خواسته‌های مادی داشته باشد.

مدیر حوزه‌های علمیه سراسر کشور فلسفه تاسیس حوزه‌های علمیه را انتشار و گسترش علوم اسلامی دانست و خاطرنشان کرد: تنبلی برای طلاب نباید معنا داشته باشد زیرا فرصت‌هایی که اکنون در اختیار این افراد است تجدیدنپذیر خواهد بود.

وی با تأکید بر اینکه طلاب باید از نظر اخلاقی نیز رشد مناسبی داشته باشد مطرح کرد: این افراد باید به در و دیوار مدرسه علمیه خود نگاه مقدسی داشته باشند تا اعتقادات و باورها روز به روز بیشتر شود.

آیت‌الله حسینی بوشهری یادآور شد: هر چند حجم علمی طلاب با گذر زمان افزایش داده می‌شود اما شاخص‌های اخلاقی آن‌ها نیز با این گذر زمان باید تقویت شود.

وی به ویژگی‌های عالم مومن اشاره کرد و افزود: عالم فردی است که رفتار او گویای علم او باشد؛ عالمی که از زمان بیگانه است نمی‌تواند در جامعه نقش آفرینی کند.

آیت‌الله حسینی بوشهری با تأکید بر اینکه امام خمینی(ره) و رهبر انقلاب اسلامی عالمان زمان‌شناس هستند عنوان کرد: برخی از فرصت‌ها و ظرفیت‌ها برای طلاب ایجاد می‌شود اما شیوه استفاده از آن‌ها باید مورد توجه طلاب قرار گیرد. مدیر حوزه‌های علمیه تأکید کرد: طلبه‌ای که در دوران عمر خود تبلیغی انجام نداده است نمی‌تواند سودی برای دیگر مردم جامعه اسلامی داشته باشد؛ اگر طلاب به ویژگی‌های مورد نیاز دست یافته‌اند باید رسالت‌های خود را اجرایی کنند.

وی با اشاره به اینکه عالمان جانشینان پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار(ع) هستند ابراز کرد: طلاب باید به زبان‌های مختلف تسلط داشته باشند تا بتوانند علوم اسلامی را به مردم کشورهای مختلف ارائه دهند.

آیت‌الله حسینی بوشهری با بیان اینکه اکنون طلاب تبلیغات گسترده‌ای در کشورهای متفاوت دارند اظهار کرد: طلاب می‌توانند با استفاده از فضای مجازی با هر زبانی آموزه‌های اسلامی را تبلیغ کنند؛ اکنون برخی نیروهای دشمن ماموریت دارند که با زبان فارسی آشنا شوند تا بتوانند در میان زائران ایرانی کشور عربستان شبهه‌افکنی کنند.

وی ادامه داد: زبان فارسی و عربی نقاط اشتراک بسیاری دارد و طلاب با اعتماد به نفس و همت می‌توانند در این دوره ۴۰۰ ساعته آموزش مکالمه عربی به خوبی با این زبان آشنا شوند و علوم لازم را در این زمینه فراگیرند. آیت‌الله حسینی بوشهری از تربیت اساتیدی برای گسترش آموزش مکالمه زبان عربی در دیگر استان‌های کشور خبر داد و گفت: اکنون این طرح آموزشی برای شش استان در حال اجراست.

وی با تأکید بر اینکه طلاب پس از پایان این دوره با برخی دیگر از زبان‌ها نیز آشنا می‌شوند مطرح کرد: طلاب باید با زبان دنیا با دنیا صحبت کنند و با آرمان‌های بلندی در جامعه حضور داشته باشند زیرا طلبه گوشه‌نشین عامل به علم نیست.

امام جمعه قم با اشاره به اینکه خداوند با زبان عربی با مخلوقات خود صحبت می‌کند عنوان کرد: اهتمام طلاب در یادگیری زبان‌های مختلف دنیا می‌تواند در گسترش بیداری اسلامی تأثیر فراوانی داشته باشد.

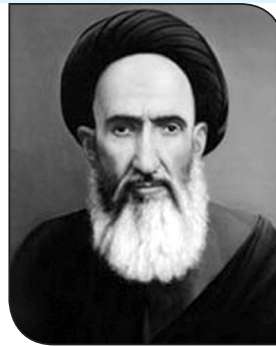
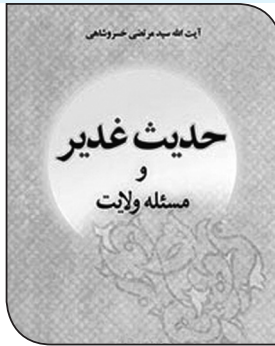
کتاب «حدیث غدیر و مسئله ولایت» تألیف آیت الله سید مرتضی خسروشاهی منتشر شد

توفیق‌دهنده و یاری‌رسان است.

هم‌چنین از جمله سایر تألیفات آیت الله سید مرتضی خسروشاهی می‌توان به کتاب‌های فوائد الافهام فی قواعد الاحکام، الطهارة، نفارات الکواکب علی خيارات المکاسب، اهداء الحقیق الی اخیه البارع البصیر، هداية الامّة الی زیارت الائمة (علیهم السلام)، امطار الذّر فی مقدار الکّر، ذوره العاده فی نیة العبادة، مختصر الکلام فی حکم السلام، قمع الشکوک عن لباس المشکوک، متنزه الاخبار، ادله کراهت تشبه به کفار، تسهیل التناول، فی احکام الضرفه المستحده، رساله فی التقیه، حاشیه عروه الوثقی، حاشیه بر قوانین، حاشیه بر رسائل شیخ انصاری، حاشیه بر شرایع، حاشیه بر شرح لمعه، حاشیه صید و ذباحه، مرحوم شیخ محمدحسن مامقانی، حاشیه بر مناسک آیت‌الله بروجردی، رسائل مفرده در مسائل متفرقه و مواعظ و منابر اشاره کرد.

گفتنی است خاندان خسروشاهی از خانواده‌های مجتهد پرور آذربایجان است که سابقه‌ای ۴۰۰ ساله در علم و فقاقت داشته و شخصیت‌های برجسته علمی از آن برخاسته‌اند.

کتاب «حدیث غدیر و مسئله ولایت» با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و در ۲۸۸ صفحه به همت نشر کلبه شروق در قم منتشر شده است. برای دریافت این کتاب ارزشمند می‌توانید با مرکز پخش آن به شماره تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۳۸۱۴۴ تماس بگیرید.



لازم به ذکر است امام موسی صدر نیز بر این کتاب مقدمه‌ای نسبتاً مفصل نوشته و در معرفی کتاب چنین گفته است: «گفتیم که بسیاری از بزرگان درباره حدیث غدیر و سند و دلالت آن، کتاب‌هایی تألیف کرده‌اند که کتاب حاضر (معنای حدیث الغدیر) جزء همین تألیفات ارزشمند است، زیرا با دقتی ژرف، دلالت حدیث را بررسی کرده و معنای آن را توضیح داده است. مولف مرحوم آن، از علمای بزرگ شیعه در آذربایجان ایران بوده است و این کتاب یک مرتبه در کشور عراق و اکنون نیز در مرکز بررسی‌های اسلامی در قم تحت نظارت فرزند مولف، علامه سیدهادی خسروشاهی با اضافات و اصلاحاتی به چاپ رسیده است تا برای همگان سودمند باشد. از خداوند متعال خواستاریم همواره به ایشان توفیق دهد تا در دعوت به حق و ایفای رسالت جهانی اسلام به وظیفه خویش عمل کند. خداوند

کتاب «حدیث غدیر و مسئله ولایت» تألیف حضرت آیت الله سید مرتضی خسروشاهی از علمای برجسته آذربایجان توسط انتشارات کلبه شروق منتشر شد. این اثر که ترجمه کتاب عربی ایشان «معنی حدیث الغدیر» می‌باشد، به کوشش و تحقیق استاد سیدهادی خسروشاهی و با ترجمه اسماء خواجهزاده به چاپ رسیده است.

معرفی کتاب: مؤلف محترم این کتاب را به سه فصل تقسیم کرده است. در فصل اول با روشی علمی به بررسی شبهات موضوع غدیر پرداخته است. ایشان با بررسی حدیث غدیر و کلمات به کار رفته در آن و مطالعه تفسیرهای علمای اهل سنت، به ویژه فخر رازی، به شبهات و استدلال‌های آنان پاسخ داده و دلایل منطقی را برای اثبات کلام خود آورده است. در فصل دوم نیز به دلایل اولویت و حقانیت پیروی از مذهب امامیه اشاره کرده‌اند: حدیث روز خیبر، اثبات این که اولی الامر اهل بیت (علیهم السلام) هستند، آیه تطهیر، حدیث ثقلین، حدیث «علی مع الحق»، سخن عمر در جریان بیعت با ابوبکر و دعای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برای حضرت علی (علیه السلام) در روز غدیر از جمله دلایلی‌اند که این عالم گرانقدر در کتاب خود آورده است. ایشان در فصل سوم هم ضمن بررسی شبهه زیارت قبور به مباحث حمد و ثناء اصفیاء و اشاره به شهادت آنان، شفاعت و استشفاع، خفض جناح نسبت به صاحب قبر و دلایل اثباتی بناء حرم و قبّه پرداخته‌اند.

یادداشتی درباره کتاب حدیث غدیر و مسئله ولایت

این کتاب، بحث و مناقشه درباره نکات و ابهاماتی است که یکی از بزرگان اهل سنت در کتاب خود مطرح نموده است. مناقشه و شبهاتی که او ذکر کرده درباره مسأله غدیر است که می‌تواند در بین مسلمانان تشویش ایجاد کند. به همین دلیل آیت الله سید مرتضی خسروشاهی تصمیم گرفتند از طریق واقعیات علمی و با رعایت بی‌طرفی پاسخی شایسته به او بدهند. گفتنی است درباره ماجرای غدیر اگر لطف الهی و حضور اندیشمندان این امت و در رأس آنان هدایت‌های مولا امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) نبود، اشکال تراشی‌های مخالفان و پیامدهای آن، امت را به هلاکت میکشاند، زیرا مسأله غدیر نه تنها از جهت ارتباط با شخصیت و منزلت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، بلکه از این جهت که بخشی حیاتی از ابعاد اندیشه اسلامی، یعنی امامت و رهبری و ولایت امت را تشکیل می‌دهد نیز دارای اهمیت است.

به همین جهت، معلوم میشود که مؤلف معظم به چه دلیل در دفاع از این مسأله با شکل و طرح و استدلال عمیق به بحث و کنکاش و پاسخ و مناقشه پرداخته است. به راستی ایشان تمام تلاش خود را به کار گرفته است تا پاسخی شفاف به سؤالاتی که امکان دارد در این زمینه مطرح شود، ارائه نماید. از نظر مؤلف؛ نکاتی که فخر رازی درباره مسأله مشهور غدیر مطرح کرده، نیاز جدی به بررسی علمی و کنکاش در محتوای آن از طریق شیوه‌های علمی و تحلیلی از طریق استقراء وقایع و اندیشه‌ها دارد. به همین دلیل ایشان مانند همتایان خود از علمای مخلص در ایجاد جریان آگاهی فکری برای نسل‌های آینده مشارکت نموده تا در همان مسیر این مکتب را معرفی کند و از آن در مقابل شبهات شبهه‌افکنان و گزافه‌گویی‌های مزاحمان دفاع نماید.

خواننده با مطالعه این کتاب درمی‌یابد که کتاب از علم و ادراک فراوان مؤلف آن لبریز است و دلیلی بر توانایی علمی و فقهی ایشان است و البته این مهم را با دنبال کردن سیره زندگی ایشان - که استاد سیدهادی خسروشاهی (حفظه الله) در مقدمه این کتاب آورده اند - نیز به خوبی میتوان فهمید.

علاوه بر آن، ویژگی این کتاب در بیان محتوای تاریخی در قالب علمی و فقهی استدلالی، شگفت‌آور

کتاب «حدیث غدیر و مسئله ولایت» تألیف حضرت آیت الله سید مرتضی خسروشاهی از علمای برجسته آذربایجان توسط انتشارات کلبه شروق منتشر شد. سید محمود خسروشاهی مدیر اجرایی مرکز بررسی‌های اسلامی قم یادداشتی درباره این کتاب نوشته است که در ادامه می‌خوانید:

بسم الله الرحمن الرحيم

اگر مقایسه‌ای میان کتاب‌هایی که در قفسه کتابخانه‌های اهل تشیع، با نظائر آن در سایر کتابخانه‌های بزرگ اسلامی صورت بگیرد، کتابخانه‌های تشیع در بیشتر زمینه‌ها جایگاهی بالاتر دارند و این قطعاً بسیاری را به حیرت وامیدارد. زیرا کتابهای موجود دارای محتوای غنی، اخلاق عالی در بیان و متانت در استدلال هستند و به عمق و عینیت نیز شناخته می‌شوند به نحوی که اعجاب محققان سایر مذاهب را نیز برمی‌انگیزد؛ باید اذعان کرد که هیچ مؤلف شیعی بررسی عمیق موضوع و سخن درباره مسائل مربوط به آن را رها نکرده است، بلکه به هر مسأله‌ای که باید درباره آن بحث صورت بگیرد با اتکا به شیوه‌های علمی مبتنی بر استدلال به اصول معتمد، و روایات مستند و موقر پرداخته است؛ چه این تألیف از مطلوبات شمرده شود چه از غیر آن. بيتدید سزاوار است که منتقدان از این ویژگی تقدیر کرده و علما و محققان سایر مذاهب، عنایات ویژه به آن بدل نمایند.

البته این مسأله جای تعجب ندارد، زیرا اغلب نویسندگان ما از فقها و علما گرفته تا سایر محققان، پیوسته علوم و معارف برگرفته از وحی الهی یا الهام گرفته از تعالیم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت طیبین و طاهرین او را انتشار می‌دهند. همه این امور نقش بسیاری در پر بار کردن میراث اسلام و مخصوصاً شیعه با مواد علمی و فکری و فرهنگی دارد که قوه ذهنی اسلامی را غنی کرده و آن را از سایر مکاتب جدا می‌کند.

کتاب حاضر علی‌رغم حجم اندک، یکی از تلاش‌های مهم در این زمینه و با این رویکرد است و نمونه‌ای عملی را به تصویر می‌کشد که آیت الله سید مرتضی خسروشاهی برای ارائه آن به همه مسلمانان تلاش کرده است، بی‌آنکه میان مخالفان یا موافقان مذهب خود، یعنی مذهب اهل بیت، تفاوتی قائل شود. هدف

مدیر اجرایی مرکز بررسی‌های اسلامی
سید محمود خسروشاهی

سیاسی - اجتماعی - فرهنگی
۶ بهشت ◄ شماره ۸
◄ شماره مسلسل ۱۵۰۲
سیاسی
◄ نیمه دوم تیر ۱۳۹۴
پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

ادامه از صفحه اول

اندیشه‌ی بیگانه‌ستیزی و مبارزه با امپریالیسم همیشه در ذهن آیت‌الله کاشانی وجود داشت و تنها محدود به این دوره‌ی زمانی خاص نبود. او در یکی از مصاحبه‌هایش بعد از ملی شدن صنعت نفت بیان می‌دارد که انگلیسی‌ها از یک‌صد و پنجاه سال قبل در امور داخلی ایران مداخله‌ی ناروا داشته‌اند و به ویژه طی سال‌هایی که در ایران نفت کشف شد، دخالت آن‌ها بیشتر شد و ثمره‌ی دخالت آن‌ها در ایران به جز فقر و فلاکت، فساد اخلاقی، نفاق و مسلط نمودن اشخاص فاسد بر کشور چیز دیگری به جا نگذاشته است.(۳)

او معتقد بود که مسلمان جهان باید بلوک سیاسی مستقلی تشکیل دهند و به هیچ یک از دو ابرقدرت آن روز، وابستگی سیاسی نداشته باشند(۴) کاشانی در سال ۱۳۳۰ اعلام داشت که به فکر تشکیل یک کنگره‌ی اسلامی و شرقی است تا به این وسیله مسلمانان را با هم متحد سازد و آن را به عنوان نیروی سومی در برابر دو بلوک شرق و غرب مطرح کند.(۵) با این تفکر بود که آیت‌الله کاشانی در روزهای پایانی تیرماه، زمانی که جامعه‌ی ایران را در حالتی نابسامان و وابسته به کشورهای استعمارگر همچون انگلیسی دید، به رهبری یک قیام پرداخت.

نقش کاشانی در قیام سی تیر

تظاهرات مردم از ۲۸ تیرماه آغاز شد و هر روز با شدت بیشتری گسترش یافت. قوام بلافاصله بیانیهِی شدیدالحنی منتشر کرد که به بیانیهِی «کشتی‌بان را سیاستی دگر آمد» مشهور شد. فرازهای از اعلامیه‌ی مذبور بدین شرح بود: «ایران دچار درد عمیق شده و با داروهای مخدر درمان‌پذیر نیست... من می‌خواهم اهالی کشور غنی و ثروتمند باشند... من وای به حال کسانی که در اقدامات مصلحانه‌ی من اخلال نمایند و در راهی که در پیش دارم مانع بتراشند... این گونه آشوبگران با شدیدترین عکس‌العمل از طرف من روبه‌رو خواهند شد... به عموم اخطار می‌کنم که دوره‌ی عصیان سپری شده و روز اطاعت از اوامر و نواهی فرا رسیده. کشتی‌بان را سیاستی دگر آمد.»

این بیانیهِ، نخست‌وزیر شدن قوام و پخش اعلامیه‌ی شدیداللحن او با واکنش فوری مردم در تهران و سراسر کشور روبه‌رو گردید.(۶)

درست در همین زمان، آیت‌الله کاشانی رهبری خود را آغاز کرد و مسیر مطالبات و اغراضات مردم را به دست گرفت. ایشان یک روز پس از اطلاعیهِی قوام در ۲۸ تیرماه اعلامیه‌ای خطاب به افسران، سربازان و

مأمورین شهربانی صادر کردند که در قسمتی از آن آمده است: «سربازان عزیز شما گرمی‌ترین فرزندان وطن و عزیزترین افراد کشورید و این عزت شما در گروهی خدمات صادقانه‌ی شما به مملکت و ملت و دین است و هر قدر استقلال بیشتر و محکم‌تر باشد، قدر و ارزش شما بیشتر خواهد بود، بگذارید خدا و ملت از شما خشنود باشند؛ زیرا امروز جنگ و جدال بین دو صف حق و باطل است،اعمال احمد قوام، که تنها برای جاه‌طلبی و برگشت انگلیسی‌ها و استعمار است، نباید به دست شما انجام و شما را در مقابل خون‌ها و حق‌کشی‌ها مسئول کند.» قبل از این ماجرا آیت‌الله کاشانی نیز برای روشن کردن مواضع خود و مردم مصاحبه‌ی مطبوعاتی در ۲۶ تیر ترتیب داد که تمام خبرنگاران داخلی و خارجی در آن دعوت شده بودند. این مصاحبه یکی از مصاحبه‌های مطبوعاتی نادر در تاریخ آن زمان بود؛ به طوری که یکی از خبرنگاران خارجی گفته بود: «من تا کنون مصاحبه‌ی مطبوعاتی به این شلوغی ندیده‌ام.»(۷)

ایشان در این مصاحبه گفته بودند: «احمد قوام باید بداند در سرزمینی که مردم رنج‌دیده‌ی آن، پس از سال‌ها رنج و تعب، شانه از زیر دیکتاتوری کشیده‌اند، نباید رسماً اختناق افکار و عقاید را اعلام و مردم را به اعدام دسته‌جمعی تهدید نماید. من صریحاً می‌گویم که بر عموم برادران مسلمان لازم است که در راه این جهاد اکبر، کمر همت محکم بر بسته و برای آخرین مرتبه به صاحبان سیاست استعمار ثابت کنند که تلاش آن‌ها در به دست آوردن قدرت و سیطره‌ی گذشته محال است و ملت مسلمان ایران هیچ‌گاه به بیگانگان اجازه نخواهد داد که به دست مزدوران آرمایش‌شده، استقلال آن‌ها پایمال و نام با عظمت و پرافتخاری را که در اثر مبارزه‌ی مقدس خود به دست آورده است، مبدل به سرشکستگی شود...»(۸)

اعتراض طبقات مردم نسبت به کناره‌گیری مصدق گسترش یافت و ناآرامی تهران را فرا گرفت. دسته‌جات نظامی با تانک و زره‌پوش به خیابان‌ها آمدند و در نقاط مهم پایتخت مانند دانشگاه، بازار و میدان بهارستان مستقر شدند. قوام‌السلطنه در برابر تظاهراتی که از نخستین روز زمامداری‌اش شروع شده بود و گسترش می‌یافت به فعالیت پرداخت. وی به منظور ساکت کردن کاشانی، که نقش چشمگیری در انگیختن احساسات مردم و نیروهای انتظامی داشت، تماس‌هایی با وی برقرار کرد که به نتیجه نرسید.(۹)

روز ۲۹ تیر ۱۳۳۱ نیز نامه‌ای به حسین علا داد که اگر در ظرف ۲۴ ساعت دولت قوام برکنار نشود، به دربار حمله خواهیم کرد. متن نامه‌ی آیت‌الله کاشانی به «حسین علا»، وزیر دربار، عبارت بود از:

«جناب آقای علا دام ظله

عرض می‌شود، بعد از شما، ارسنجانجی از جانب

آیت‌الله کاشانی چگونه قیام ۳۰ تیر را رقم زد؟

قوام‌السلطنه آمد و گفت به شرط سکوت، قوام انتخاب شش وزیرش را در اختیار من می‌گذارد. همان طور که حضوری عرض کردم به عرض اعلی‌حضرت برسانید، اگر در بازگشت دولت دکتر مصدق تا فردا اقدام نفرمایید، دهانه‌ی تیز انقلاب را با جلوداری شخص خودم متوجه دربار خواهیم کرد. در انتظار اقدامات مجدانه شما. والسلام. سید ابوالقاسم کاشانی.»(۱۰)

صبح روز ۳۰ تیر شهر تهران یک‌پارچه تعطیل بود. مردم دسته‌دسته در حالی که شعار طرفداری از مصدق را سر می‌دادند به طرف خیابان‌های مرکز شهر و میدان بهارستان در حرکت بودند. در تظاهرات و مقاومت سی تیر، هم طبقات از کارگر، پیشه‌ور، کارمند، دانشجو، بازاری پیر و جوان، زن و مرد در کنار هم بودند.(۱۱) شاه کاملاً تسلط بر اوضاع را از دست داده بود. حضور ارتش در خیابان‌ها صحنه‌ی تظاهرات را به میدان جنگ تبدیل کرد. تمامی محاسباتی که قوام به عنوان یک سیاست‌مدار کارکنسته انجام داد نافرجام ماند. او تصور می‌کرد از طریق سازش با لندن و واشنگتن می‌تواند مردم را مرعوب سازد، ولی مردم با دست خالی در مقابل مأمورین انتظامی ایستادند و کشته شدند. به شهادت رسیدن تظاهرکنندگان مردم را خشمگین‌تر می‌کرد و لحظه به لحظه اوضاع وخیم‌تر می‌شد. مردم اجساد شهدا را به دوش می‌گرفتند و علیه قوام شعار می‌دادند. تنها راحل این بود که شاه قوام را وادار به استعفا کند. همان روز در ساعت ۴ بعدازظهر قوام استعفايش را تقدیم کرد.(۱۲)

نقش آیت‌الله کاشانی در بسیج مردم و در قیام سی تیر محوری‌ترین جنبه‌ی آن حرکت اجتماعی بود. حسن گرمی، درباره‌ی تأثیر آیت‌الله کاشانی در تهییج مردم برای ورود به اعتراض، این گونه عنوان می‌کند: «آیت‌الله کاشانی با زحمات فراوان مردم را به خیابان‌ها کشید. ایشان مجبور شد برای این کار عده‌ای زیادی را به شهرستان‌ها بفرستد. خود بنده، همراه با مرحوم دکتر نخشب، مأمور قزوین شدیم (خیابان قزوین) من و دکتر نخشب مجبور شدیم در خیابان قزوین فریاد بزнім «مرده باد قوام، زنده باد مصدق» تا عده‌ای آدم‌های کنجکاو جمع شدند.»(۱۳)

تحولات بعد از سی تیر

قیام سی تیر مقدمه‌ی بسیاری از تحولات معاصر بود. بدون شک، اگر حرکت مردمی در روز سی تیر نبود و مشروعیت دولت مصدق به این حد نمایش داده نمی‌شد، حکومت و قدرت‌های بزرگ به راحتی حاضر به عقب‌نشینی از مواضع خود نبودند. حضور مردم در خیابان‌ها و به رخ کشیدن این حد از مقبولیت، جهان را قانع کرد که نفت ملی حق مشروع و ملی مردم ایران است. به همین دلیل می‌توان نقش آیت‌الله کاشانی را در ملی شدن صنعت نفت در اینجا ردیابی کرد.

اما در ادامه وقایعی پیش آمد که در خاطره‌ی جمعی

مردم ایران به خوبی یاد نمی‌شود. مقدمه‌ی این مسائل تلخ را می‌توان در شکاف میان مصدق و آیت‌الله کاشانی جست. درباره‌ی اختلافات مصدق و آیت‌الله کاشانی سخن بسیار گفته شده است، اما در مجموع این گفته را می‌توان در یک موضوع جمع کرد و آن هم گسست گفتمانی از دو سو و دو نگاه متفاوت به سیاست و حکمرانی. شاید اگر مصدق به توان آیت‌الله کاشانی در نفوذ بین مردم پی می‌برد به این راحتی نگاه‌ها و نسبت به درخواست‌های آیت‌الله کاشانی بی‌تفاوت نمی‌ماند و از توان آیت‌الله کاشانی برای مهار کودتای ۲۸ مرداد استفاده می‌کرد.

اما به هر حال قیام سی تیر دستاوردهای زیادی را در تاریخ ایران به جا گذاشت. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای مهم این روز احیای مفهوم روحانیت در عرصه‌ی سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی ایران بود. در سال‌های پس از مشروطه و بعد از روی کار آمدن رضاشاه، روحانیون در فضای سیاسی کشور ما در شرف به حاشیه رانده شدن بودند؛ اما حضور درخشان آیت‌الله کاشانی در قیام سی تیر ثابت کرد روحانیت در سیاست و جامعه‌ی ایران نقشی غیر قابل انکار دارد و نمی‌توان بدون توجه به قدرت و نفوذ روحانیون تحولات مردمی را پیش برد. به همین جهت می‌توان یکی از پل‌های ارتباطی‌ پذیرش رهبری امام خمینی در انقلاب ایران از سوی مردم را در اقدامات و حضور آیت‌الله کاشانی در قیام سی تیر جست.(*)

پی نوشت ها:

- فخرالدین عظیمی، بحران دموکراسی در ایران، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۲، ص ۳۹۲ تا ۳۹۸.
- گازبوروسکی، مصدق و کودتا، انتشارات قصیده‌سرا، تهران، ۱۳۸۴، ص ۷۶.
- محمد دهنوی، مجموعه‌ای از مکتوبات، سخنرانی‌ها و پیام‌های آیت‌الله کاشانی، چاپ پخش، تهران، ۱۳۶۱، ص ۷۱ و ۷۲.
- همان، ص ۷۱ و ۷۲.
- همان، ص ۶۱.
- غلامرضا نجاتی، مصدق سال‌های مبارزه و مقاومت، رسا، ۱۳۷۸، ص۴۳۷.
- محمدترکمان، تهران در آتش، نشرامیری، تهران، ص۳۳۰.
- کیهان، ۲۶ تیر ۱۳۳۱.
- نجاتی، همان، ص ۴۳۸.
- مرتضی رسولی‌پور، قیام سی تیر ۱۳۳۱، فصلنامه‌ی تاریخ معاصر ایران، ش ۳۴، تابستان ۱۳۸۴.
- نجاتی، همان، ص ۴۳۸.
- استفانی کینزر، همه مردن شاه، نشر اختران، تهران، ۱۳۸۱، ص ۲۰۴.
- کتاب ماه فرهنگی تاریخی یادآور، سال اول، شماره‌ی دوم، تیر و مرداد ۱۳۷۸.

مرتضی ویسی؛ پژوهشگر تاریخ معاصر

دبیر کل اتحادیه جهانی علمای مقاومت؛

فرقی بین آل سعود وآل خلیفه نیست،فقط اولی در جنایت وحمايت از تکفیری ها جلوتر است

حکم آل سعود علیه شیخ نمر النمر تاکید کرد: این احکام ظالمانه ابتدایی ترین قوانین حقوق بشر را زیر پا گذاشته، با این حال ملاحظه می کنیم هیچ صدای اعتراضی از غرب بلند نمی شود تنها به این دلیل که این احکام در راستای تمایل غربی ها می باشد.

دبیرکل اتحادیه جهانی علمای مقاومت با بیان اینکه این مرحله سپری خواهد و در نهایت حق یعنی محور مقاومت پیروز می شود، تاکید کرد که باطل ممکن است چند صباحی اظهار وجود کند اما آینده از آن حق است چرا که قاعده الهی می گوید « ویمکرون ویمکر الله و الله خیر الماکرین».

شیخ ماهرحمود خطاب به حاکمان بحرین گفت: اگرچه ممکن است تأثیری در شما نداشته باشد اما می گویم، تقوا را در نظر بگیرید و به حاکمان پیش از خود بنگرید امروز آنها که قدرتمندتر از شما بودند کجا هستند، کجایند آنهایی که از شرق تا غرب دنیا در قلمرو حکومتشان قرار داشت؟ حکومت در دست این افراد امانت بود اما آنها در حقش خیانت روا داشتند.

نقشه های پلید خود را در منطقه عملی سازد.

دبیرکل اتحادیه جهانی علمای مقاومت، جنگ علیه یمن را تجاوز بی پرده و حقیرانه ای توصیف کرد که تنها زیرساخت ها ، کودکان ، سالمندان ، مدارس و مساجد را هدف قرار داده و گفت که وضعیت در سوریه و بحرین هم به همین منوال است.

وی افزود: دربحرین اگرچه اوضاع هنوز به درجه خطرناک مانندیمن وسوریه نرسیده وامیدوار هستیم که نرسد، اما مبارزه باندیشه مقاومت نزدحاکمان آن موجوداست.

شیخ حمود هشدار داد: آنها می خواهند به مفهوم مقاومت رنگ و بوی مذهبی بدهند اما حقیقت خلاف آن است و مقاومت در غزه و فلسطین بعد مذهبی ندارد و فقط عقل متحجر و دل های مریض آنان به خاطر رابطه با آمریکا و اجرای طرح های جنایتکارانه آمریکایی صهیونیستی از دیدن حقایق کور شده و شیطان برعقل و قلبشان حکمرانی می کند.

این عالم برجسته اهل سنت لبنان با شبیه دانستن حکم ظالمانه حکومت بحرین علیه شیخ علی سلمان با

مقاومت در بین امت عربی و اسلامی است.

دبیرکل اتحادیه جهانی علمای مقاومت افزود:

بخواهیم و یا نخواهیم، هرگونه انتساب به شیعه امروزه برای غرب و اسرائیل و سعودی ها به معنای حمایت از محور مقاومت است و در عین حال به معنای ضدیت با گروه های تروریستی تکفیری و توطئه های آمریکایی می باشد، برای سعودی ها و برخی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس این مساله قابل پذیرش نیست و چاره ای جز مقابله با آن نمی بینند.

شیخ حمود اعتقاد راسخ دارد که جنگ کشورهای استکباری و در راس آنها آمریکا علیه مقاومت، امروز دیگر حالت علنی به خود گرفته و گروه های تروریستی تکفیری با هدف حفظ امنیت رژیم صهیونیستی، علیه مقاومت سازماندهی شده و به سمت سوریه ،عراق و یمن گسیل داشته شده اند.

این عالم برجسته اهل سنت لبنان معتقد است که طرح سعودی،آمریکاییوصهیونیستی درمنطقه به دنبال خاموش کردن نور مقاومت و آزادی خواهی است تا بدینوسیله بتواند

امام جماعت مسجد قدس شهرصیدا در جنوب لبنان معتقد است که رژیم آل سعود به خاطر ارتکاب جرم و جنایت علیه ملت یمن و حمایت از گروه های تروریستی تکفیری وهابی در سوریه ،عراق ، یمن و لیبی و فتنه انگیزی در بقیه کشورهای عربی و اسلامی، گوی سبقت را از دیگران ربوده و از این جهت بر رژیم جنایتکار آل خلیفه در بحرین برتری دارد.

شیخ حمود همچنین تفاوتی بین گروه های تکفیری تروریستی که در زمین فساد، کشتار و ذبح انسان ها را به راه انداخته اند با جریان وهابیت مورد حمایت آل سعود نمی بیند و حتی این جریان را پایه و اساس اندیشه سیاه تکفیری و عامل اصلی گمراهی می داند.

وی در گفت وگو با ایرنا اظهار داشت: حوادث بحرین را نمی توان جدای از رویدادهای منطقه دانست و هدف حکومت بحرین از صدور حکم ظالمانه چهارساله زندان علیه شیخ علی سلمان دبیرکل جمعیت وفاق ملی اسلامی بحرین برای ساکت کردن مخالفان و خفه کردن صداهای برخاسته از حنجره های آزادمدان حامی

۱۹۸۷ م/ ۱۳۶۶ به رهبری حزب برگزیده شد و به عنوان سومین «امیر جماعت اسلامی» به فعالیت خود ادامه داد. او که به زبان‌های اردو، عربی، انگلیسی و فارسی تسلط کامل داشت، فعالیت خود را از یک تشکل سیاسی - مذهبی ریشه دار و بین المللی اسلامی، آغاز و تا چند دهه ادامه داد و در سالهای پایانی عمر، دغدغه اصلی‌اش را یکپارچگی و همگرایی مسلمانان می‌دانست. در واقع او تمامی مساعی خویش را صرف وحدت امت اسلامی نمود و با تندرستی، افراطی‌گری و تحجر به عنوان عوامل اصلی انشقاق مسلمین مخالف بود. وی بارها به افغانستان سفر کرد و آمادگی خود را برای میانجیگری و تلاش برای صلح در این کشور اعلام کرد. او در این راستا، مخالف حضور نیروهای آمریکا در منطقه بود و همچنین از خشونت برخی گروه‌ها به نام اسلام و مسلمان، دل خوشی نداشت.

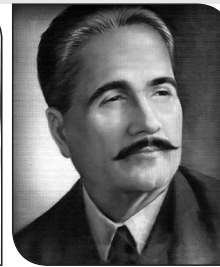
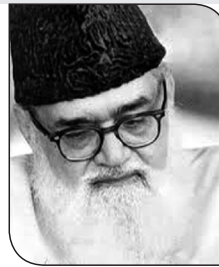
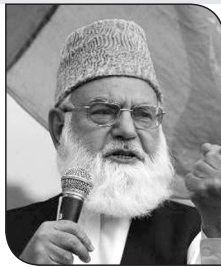
فعالیت‌های جدید

در سال‌های اخیر فعالیت‌های تقریب علمای مسلمان پاکستان افزایش یافته و اخیراً علمای شیعه و اهل تسنن پاکستان به اتفاق آراء، منشور نه ماده‌ای را برای هماهنگی و نزدیکی بیشتر مذاهب در این کشور به امضا رساندند. این منشور به دنبال نشستی به امضا رسید که در شهر لاهور در ایالت پنجاب با حضور نمایندگان چهار فرقه مذهبی بریلوی، دیوبندی، اهل حدیث و اهل تشیع برگزار شد. طبق این منشور، علما و ذاکرین فرق مختلف باید به اعتقادات سایر گروه‌ها احترام گذارند و از اظهارنظرهایی که موجب افزایش تنش و نفرت در بین فرق می‌شود، پرهیز کنند. همچنین علما نباید از عبارت «کافر» برای پیروان سایر فرق استفاده کنند یا آنان را مستحق مرگ بدانند. همچنین کنفرانس ملی با همین موضوع و با حضور علمای همه فرق و گروه‌های مذهبی در شهر لاهور برگزار شود.

حجت الاسلام ناظم حسین اکبر، رئیس اندیشکده الفجر پاکستان، از کسانی که در حال حاضر در زمینه تقریب فعالیت می‌کند و در جلسه‌ای که در این باره در قم تشکیل شده بود، گفت: امروز در پاکستان شاهد فرصت‌های بسیاری در اتحاد مذاهب اسلامی هستیم که حضور علمای بیدار و تاثیرگذار را می‌توان از بزرگترین این فرصت‌ها دانست. او اضافه کرد: سازمانی برای وحدت در پاکستان تأسیس شده است تا به صورت برنامه‌ریزی شده و هدفمند در صدد وحدت و تقریب بین مسلمانان این کشور برآید.

سید محسن شریفی / دانشجوی دکتری تاریخ اسلام

پیشاهنگان تقریب در شبه قاره



- دین رسمی کشور پاکستان، اسلام است و ۹۸ درصد جمعیت این کشور مسلمان هستند. در واقع ادیان دیگر چندان حضوری در این کشور ندارند. از این اکثریت مسلمان، بخش غالب آن سنی و دارای مذهب حنفی و گروهی نیز شافعی هستند. علاوه بر آن اقلیت چشمگیری در حدود ۲۵ درصد جمعیت این کشور شیعه هستند. قانون اساسی جدید پاکستان که

در ۱۹۷۳ م/ ۱۳۵۲ به تصویب رسید، نظام سیاسی این کشور را جمهوری اسلامی معرفی کرده است و براساس آن هر پاکستانی حق دارد مراسم مذهبی خود را به جا آورده و تبلیغ کند. از این‌رو بستر سیاسی و اجتماعی این کشور، هم می‌تواند خاستگاه تقریب و هم پایگاهی برای تشدید تفرقه و اختلاف باشد. عموم مردم پاکستان در کل خواهان تلاش‌های وحدت بخش و اصلاحی هستند، اما از آنجا که نفوذ و قدرت مصلحان و وحدت‌خواهان محدود است، فعالیت‌های تکفیری و تفرقه‌برانگیز در این کشور بسیار رشد نموده و فرصت بزرگ همدلی را به تهدیدی جدی در قالب تفرقه، تکفیر و خشونت تبدیل نموده است. در این نوشتار چند تن از عالمان و مصلحان بزرگ تقریبی مرام این کشور معرفی شده‌اند.

اقبال لاهوری

علامه محمد اقبال لاهوری (۱۳۵۶ - ۱۳۱۷ ق) متفکر و عالمی بزرگ بود که نقشی حیاتی در تأمین استقلال مسلمانان شبه قاره و تشکیل کشور اسلامی پاکستان ایفا کرد. به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی در کتاب مسلمانان در نهضت آزادی هندوستان، اقبال پیشاهنگ و پیش‌رو استقلال پاکستان در تاریخ باقی و موجود است، نام اقبال هم ردیف و برابر با آن یاد خواهد شد. اقبال که نمادی -گر اندیشه‌ها و پیام‌های سید جمال در شبه قاره هند بود، شخصیتی منحصر به فرد و تاثیرگذار در مبارزه مؤثر و بی‌امان با فرهنگ استعمار در شبه قاره هند به شمار می‌رود. استاد مطهری اقبال را از پیشگامان و قهرمانان اصلاح‌طلبی در جهان اسلام می‌داند که اندیشه‌های اصلاحی وی از مرزهای کشورش نیز گذشته است. از ویژگی‌های بارز اندیشه اقبال جست‌وجو برای یافتن راه حلی است که مسلمانان بدون عدول از اصول اسلام بتوانند مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زمان خود را حل کنند. از این رو، اقبال درباره مسائلی چون اجتهاد، اجماع و شوری زیاد می‌اندیشید و اجتهاد را موتور حرکت اسلام می‌داند. به اعتقاد وی شرق اسلامی هویت واقعی خود را از دست داده و باید آن را بازیابد. به اعتقاد وی، همان گونه که فرد دچار تزلزل یا از خودبیگانگی و خودباختگی در برابر دیگران می‌شود، جامعه نیز دچار تزلزل شخصیت و از

دست دادن هویت می‌گردد، ایمان به خود و احترام به ذات و کرامت خویش را از دست می‌دهد و یکسره سقوط می‌کند. به اعتقاد وی جامعه اسلامی در عصر حاضر در مواجهه با تمدن و فرهنگ غربی دچار گمگشتگی، تزلزل شخصیت و بی هویتی شده است. نخستین اقدام ضروری مصلحان بازگرداندن ایمان و اعتقاد این جامعه به خود حقیقی او، یعنی به فرهنگ و معنویت اسلامی است. از این رو علامه محمد اقبال لاهوری یکی از پرچمداران روشنگری در جهان اسلام و یکی از منادیان بیداری اسلامی است که افکار و اندیشه‌های وی در خصوص مسلمانان و کشورهای اسلامی، تأثیر بسزایی بر اندیشه‌ها و تفکرات مسلمانان و جوامع اسلامی داشته و او به دنبال راه حلی جهت برون رفت جوامع مسلمان از وضعی برآمد که در آن زمان گرفتار آن بودند.

ابوالاعلی مودودی

علامه مودودی (۱۹۰۳ - ۱۹۷۹ م) که او را «امتی در یک مرد» دانسته‌اند، شخصیتی است که در عرصه تقریب و فعالیت‌های اسلامی معاصر نقش عظیمی داشته است. چنانکه گفته شده «مودودی مردی است که از عصر خوش پیشی گرفت و نهضت اسلامی معاصر را پایه‌ریزی کرد. وی در راستای برپایی حکومت اسلامی در سرزمین‌های اسلامی، بسیار تلاش کرد و کوشید روح انقلاب اسلامی را بیدار نماید؛ ولی در همان سال پیروزی انقلاب شکوهمند ایران به رهبری امام خمینی (ره) چشم از جهان فروبست. علامه مودودی ارتباط خوبی با امام خمینی (ره) داشت و پس از وفات ایشان، امام فرمود: «امت اسلامی مردی را از دست داد که بسیار بدان می‌باید. مولانا مودودی خدمات شایانی به اسلام و مسلمین در سرتاسر جهان کرد. او فقط رهبر دینی مسلمانان پاکستان نبود؛ بلکه رهبری برای تمام جهان اسلام به شمار می‌آمد. وی انقلاب اسلامی را در جهان اسلام زنده کرد و سبب شد که انقلاب اسلامی در همه جا گسترش یابد. فقدان این عالم فرزانه خسارت بزرگ و جبران‌ناپذیری برای جهان اسلام محسوب می‌شود. پیروان نهضت اسلامی باید راه آن عزیز سفر کرده را ادامه دهند و اهداف مورد نظر ایشان را محقق نمایند.» برخی از اندیشه‌های تقریبی و اصلاحی علامه مودودی را چنین می‌توان برشمرد: «اول، احیای دیدگاه

آیت الله اراکی در گفت و گو با تلویزیون تاجیکستان:

ضرورت هم اندیشی علما و اندیشمندان جهان اسلام برای مقابله با افراطی گری

یکدست و متحد شوند. آیت الله اراکی اظهار داشت: کار سوم این است که یک هماهنگی بین المللی برای فشار بر دولت‌ها و قدرت‌هایی که از این جریان‌ها حمایت می‌کنند به وجود بیاید، بی شک جریانی مثل داعش و جبهه النصره و جریان‌های افراطی گری دیگری که در منطقه ما وجود دارند اینها بدون حمایت قدرت‌های بزرگ و برخی قدرت‌های منطقه‌ای نمی‌توانند رشد کنند باید حمایت‌های سیاسی، مالی و تسلیحاتی از اینها برداشته شود و این نکته نیز مستلزم یک هماهنگی بین المللی است.

وی افزود: ما معتقدیم که کشورها باید یک جبهه واحدی برای مقابله با تروریسم تشکیل دهند زیرا تروریسم همه را تهدید خواهد کرد.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب اظهار داشت: امروز روشن شده که تروریسم و افراطی گری تروریستی مرز نمی‌شناسد و اگر این فاجعه و غده سرطانی انتشار بیشتری پیدا کند همه را تهدید خواهد کرد و حتی اروپا و آمریکا را نیز تهدید خواهد کرد.

وی تأکید کرد: امروز ضرورت دارد که اندیشمندان جهان اسلام، سیاستمداران و صاحبان نفوذ جهان اسلام گرد هم بیایند و برای مقابله با این بیماری سخت و خطرناک چاره‌ای بیاندیشند که دولت تاجیکستان در این راستا اقدام بسیار مناسبی انجام داده است. آیت الله اراکی اظهار داشت: ما به عنوان جمهوری اسلامی ایران و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی آماده ارائه هر گونه خدمتی در این زمینه هستیم. دبیر کل مجمع جهانی تقریب در پاسخ به سوالی پیرامون چگونگی مقابله با مشکلات کنونی جهان اسلام بویژه افراطی گری، اظهار داشت: متحد شدن دولت‌ها و قدرت‌های اسلامی در راستای مبارزه با افراطی گری و تروریسم اولین و مؤثرترین گامی است که باید برداشته شود باید سیاست‌ها و برنامه‌ها واحد باشد.

وی افزود: کار دوم این است که ما از تفرقه و هر اقدامی که موجب پراکندگی جهان اسلام می‌شود جلوگیری کنیم مذاهب مختلف اسلامی هم توحید و هم نبوت رسول اکرم (ص) و هم قرآن را قبول دارند همه نماز می‌خوانند و قبله واحد دارند بنابراین اینها باید

اسلام را از بین ببرد، ثروت‌های جهان اسلام را غارت کند و همچنین مسلمین را در عقب ماندگی نگه دارد بهترین روش برای رسیدن به این اهداف، ایجاد تفرقه در جهان اسلام با ایجاد جنگ‌های داخلی است.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب افزود: دشمنان برای اینکه این جنگ داخلی و تفرقه را به وجود بیاورند از جریان‌های افراطی استفاده می‌کنند جریان‌هایی که سایر مسلمین را تکفیر می‌کنند و ریختن خون و اموال مسلمانان را حلال می‌دانند و با حلال کردن خون مسلمانان نسبت اقدام به ایجاد جنگ در کشور‌های اسلامی می‌کنند.

آیت الله اراکی با اشاره به اینکه ما امروز شاهد بحران در عراق، سوریه، یمن و لبنان و برخی اقدامات تروریستی در کشورهای پاکستان، افغانستان و کویت هستیم، اظهار داشت: این اقدامات ضد بشری که بوسیله گروهک‌های تکفیری نظیر داعش به وجود می‌آید باعث اختلاف در جهان اسلام و از بین رفتن اقتدار جهان اسلام می‌شود که بزرگترین خطری است که امروز ملت‌های مسلمان و جهان اسلام را تهدید می‌کند.

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی
سردبیر: سید محمود خسروشاهیدفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مفاتیح) / نبش ممتاز
تلفکس: ۰۲۳۳۱۴۳۷۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

شماره‌های نشریه بهشت

از سال ۱۳۸۷ به بعد، در سایت مرکز

بررسی‌های اسلامی به نشانی: www.iscq.ir

در دسترس می‌باشد

کتاب‌هایی برای نخواندن

شرق تا غرب عالم را هم بگردید، کتاب خوانی را خوب، مفید و ضروری می‌دانند، هم بر اساس میزان مطالعه افراد، پیشرفت و رشدیافتگی مردم را می‌سنجند؛ اما...

طی سه چهار سال اخیر در کشور ما، که آمار مطالعه بسیار پایین آمده است، اتفاقی رخ داده که مصیبت را دو چندان کرده است.

شرق تا غرب عالم را هم بگردید، کتاب خوانی را خوب، مفید و ضروری می‌دانند، هم بر اساس میزان مطالعه افراد، پیشرفت و رشدیافتگی مردم را می‌سنجند؛ اما... طی سه چهار سال اخیر در کشور ما، که آمار مطالعه بسیار پایین آمده است، اتفاقی رخ داده که مصیبت را دو چندان کرده است.

تحریم‌ها تشدید شد. کاغذ که در انحصار وارد کننده‌های مشخصی بود، با افزایش قیمتی، گاه تا پنج شش برابر مواجه شد و در نتیجه کتاب، جهش قیمت پیدا کرد و حسابی گران شد.

رشد درآمدها سرعتی لاک‌پشتی داشت و شیب افزایش قیمت‌های همه چیز، از جمله کتاب، در مسابقه با یوزپلنگ ایرانی بود. به طور طبیعی یکی از اولین چیزهایی که از سید کالای خانوارهای ایرانی حذف شد، کتاب بود. سابق بر این رسم بود، شاید از قرن‌ها قبل که از سکه طلا (در قطع و عبارهای مختلف) برای هدیه دادن استفاده می‌شد.

برخی ناشران که خود را در آستانه ورشکستگی یافته بودند، ظلمی تازه به عرصه کتاب و کتاب‌خوانی وارد کردند. باشد که هم آنها سود کافی و مطلوبشان را به دست بیاورند، هم آنها که نمی‌توانستند هدایای طلایی به دیگران بدهند، بتوانند با کالایی لوکس و چشم‌نواز بر آنان منت بگذارند...

آری. کتاب‌های لوکس!

کتاب‌هایی برای نخواندن!

کتاب‌هایی با قیمت ۵ تا ۶ رقمی!

جلدهای چرمین، صفحات عطرآگین، قاب‌های... طبیعتاً اول مظلوم این عرصه هم مانند دیگر عرصه‌ها، «قرآن» بود. قرآن‌هایی برای سر سفره عقد که قرار نیست هرگز عروس و داماد آن را بخوانند یا باز کنند؛ چه رسد به عمل کردن!

بعد از آن، دیگر کتب دینی، مانند «نهج‌البلاغه»، «صحیفه سجادیه» و... هم از این جنایت بی‌بهره نماندند. مظلوم بعدی این فاجعه، فرهنگ و ادبیات فاخر ما بود. کتب ادبی و دیوان‌های اشعار ما که به جای آنکه سند هویتی ما باشند، به تزئین میز و طاقچه‌های ما بدل شدند. طی دوه‌سال گذشته، متأسفانه تولید و انتشار کتاب‌های لوکس و اقبال ناشران به آن، رشد قابل توجهی داشته است و حتی ناشرانی در نمایشگاه کتاب و قرآن دیده می‌شوند که صرفاً عرضه کنند این پدیده ضدفرهنگی هستند.

ما که هرچه به مسئولان فرهنگی کشور، شفاهی و کتبی اعلام خطر کردیم، عکس‌عملی دال بر احساس آن ندیدیم. حداقل شما خواننده عزیز، بیایید و به کتاب ظلم نکنید و با این نگاه اشرافی، میراث دینی و فرهنگی مبارزه کنید.

«نشر معارف» و آثار اندیشمندان مسلمان

مظفر اقبال با «جهان اسلام و خیزش آگاهی» در فروشگاه‌های پاتوق کتاب

کار شد و در آنجا دارویی برای ردیابی تومورهای مغزی ساخت.

مظفر اقبال در سال ۱۹۵۴ در شهر لاهور پاکستان به دنیا آمد و در سال ۱۹۷۹ به کانادا مهاجرت نمود که از آن زمان تاکنون در سمتهای تحقیقاتی و دانشگاهی در دانشگاه‌های ویسکانسین - مدیسون (۱۹۸۵-۱۹۸۴)، مک‌گیل (۱۹۸۶) و ساسکاچوان (۱۹۸۴-۱۹۷۹) به فعالیت پرداخته است. سالهای ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۹ را در پاکستان به سر برد که در مقطعی به مدیریت کمیته همکاری‌های فنی و علمی سازمان کنفرانس اسلامی و سپس مدیریت آکادمی علوم پاکستان منصوب گردید.

وی در سال ۱۹۹۶ از مسئولیتش استعفا داد و سه سال بعد به کانادا بازگشت و دغدغه‌هایش را در حوزه «سنت عقلانی اسلام»، «تاریخ اسلام»، «جنبه‌های فلسفی و متافیزیکی ارتباط اسلام و علم»، «اسلام و غرب» و «اسلام و مدرنیته» دنبال می‌کند.



به رویکردی نادرست، آیا تکنولوژی هویت اسلامی را به مخاطره انداخته است؟ طب اسلامی، سنت شفای روحانی، عدالت و قدرت و منابع پایدار و جوادان قدرت در برابر تروریسم. در بخش پیوست‌ها هم عناوین زیر آمده است: نگرش غربی‌ها به قرآن همراه با مباحث سیاسی است، بررسی سنت دانشنامه‌نویسی درباره اسلام، بعضی فرقه‌های اسلامی از یهود و نصاری تبعیت می‌کنند، نمایش کاذب پیمان عدم تکثیر هسته‌ای و گزارشی از کتاب «اسلام، علم، مسلمانان و فناوری؛ گفتگوی مظفر اقبال با سید حسین نصر».

دکتر مظفر اقبال (Muzaffar Iqbal)، متفکر مسلمان پاکستانی و بنیان‌گذار و رئیس مرکز «اسلام و علوم» کاناداست.

وی در رشته شیمی از دانشگاه «ساسکاچوان» کانادا موفق به اخذ مدرک دکترای شد و پس از آن، در مؤسسه عصب‌شناسی دانشگاه مک‌گیل در مونترئال مشغول به

بررسی ابعاد حقوقی فعالیت‌های حزب‌الله لبنان در یک کتاب

درخوری از سنجش عملکرد حزب‌الله ارائه نمود. هدف نهایی کتاب، سنجش اقدامات حزب‌الله لبنان از منظر حقوقی بودن و یا نبودن آن است.

جنگ ۳۳ روزه، مظهر اعلا مقاومت حزب‌الله در مقابل زیاده‌خواهی‌های رژیم غاصب صهیونیستی به پشتوانه آمریکا و سایر دولت‌های استعماری بود. به همین جهت، یک فصل به طور اختصاصی به این جنگ و انطباق عملکرد طرفین آن با موازین حقوق بین‌الملل پرداخته است.

از آنجایی که علت به وجود آمدن مقاومت اسلامی حزب‌الله لبنان و ادامه فعالیت‌هایش، رفتارهای تجاوزکارانه و اشغال لبنان توسط اسرائیل بوده است برای اثبات فرضیه مشروع بودن اقدامات حزب‌الله در قالب «حق دفاع مشروع» و «حق تعیین سرنوشت» موجود در منابع حقوق بین‌الملل، می‌بایست به بررسی شکل‌گیری رژیم اسرائیل و مشروعیت اقداماتش پرداخت که فصل پنجم کتاب به اختصار به آن می‌پردازد.

در کتاب «پندار شناسی اقدامات حزب‌الله لبنان از منظر حقوق بین‌الملل» به تعریف نهضت‌های آزادی‌بخش ملی و مشروعیت اقدامات آنها در حقوق بین‌الملل پرداخته می‌شود تا با مقایسه آن با اقدامات تروریستی بتوانیم آنها را از هم متمایز کنیم.

نگاهی کوتاه به تاریخچه حزب‌الله، علت‌های شکل‌گیری آن، توضیح شکل‌گیری، فعالیت و دستاوردها و ارائه دلایل استمرار وجود حزب‌الله لبنان از جمله مباحثی است که در این کتاب مورد اشاره قرار گرفته تا به ماهیت این سازمان بیشتر پی ببریم.

تمامی اقدامات مقاومت اسلامی حزب‌الله لبنان، اعم از اقدامات سیاسی، نظامی و اجتماعی و فرهنگی این جنبش اسلامی که ممکن است به نحوی از انحاء با هنجارهای حقوق بین‌الملل ناسازگار بنماید، مورد شرح و واکاوی قرار گرفته‌اند تا در نهایت بتوان نتیجه حقوقی



کتاب «پندار شناسی اقدامات حزب‌الله لبنان از منظر حقوق بین‌الملل» تألیف خیرالله پروین و عباس باقری چوبه در ۳۰۸ صفحه از سوی انتشارات خرسندی راهی بازار کتاب شد.

کتاب حاضر با توجه به واقعیات و پرهیز از بحث‌های انتزاعی و صرف حقوقی در حقوق بین‌الملل، در ابتدا سعی داشته است که یک مفهوم از مجموعه مفاهیم حقوق بین‌الملل که مناسب هدف نهایی این نوشتار است را تبیین نماید.

در این کتاب سعی شده به تلاش جامعه بین‌المللی برای ارائه یک تعریف جامع از تروریسم پرداخته شود و در آن تعاریف موجود از تروریسم در حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار می‌گیرند تا با کشف معیارهای مشترک موجود در این تعاریف تا حد امکان به تعریفی جامع و مشترک دست پیدا شود.

غرب و براندازی جمهوری اسلامی ایران

تألیف: ولی‌الله حامی کلوانق
معرفی کتاب: جمهوری اسلامی ایران که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با رویکرد خوداتکایی و تکیه بر توانمندی‌های بومی درصد الگوآفرینی از دولت اسلامی

برآمده است، با شعار نه شرقی نه غربی، تمام وابستگی‌های دیرینه‌ی خود به شرق و به‌ویژه غرب را مورد تجدیدنظر کلی قرار داد و بدین نحو چالش بزرگی برای غرب به وجود آورد که علاوه بر از دست دادن منافع در ایران، خطر گسترش قطع یغ غرب را در همسایه‌های همجوار ایران براساس الگوی مستقل ایرانی در پی داشت.

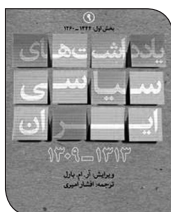
براین اساس از مهم‌ترین دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی ایران، برافراشتن پرچم دین‌خواهی و معنویت، اعتماد به نفس و خودباوری، استقلال و پیشرفت‌های علمی و رفاه مادی، گسترش و تعمیق بیداری اسلامی، فرو ریختن تابوی شکست‌ناپذیری استکبار و صهیونیسم، ارتقای موقعیت ایران، اسلام و جهان اسلام، جهش‌های علمی و فنی، توسعه‌ی عمق استراتژیک در بین سایر ملت‌ها، رشد آگاهی و عدالت‌خواهی انسان‌ها و امثال آن بوده‌است. در حقیقت، نظام جمهوری اسلامی منش و شیوه‌ی جدیدی در عرصه‌ی بین‌المللی و افکار عمومی جهان ایجاد کرد که برای نظام سلطه غرب در دسرساز بوده‌است.

با توجه به این چالش، غرب همواره در طول سه دهه‌ی گذشته به انحای مختلف از بلوکه کردن اموال و دارایی‌های ایران در کشورهای غربی گرفته تا توطئه‌های مختلف و بی‌اساس، مبنی بر ناکارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران، به دنبال آن بوده‌است تا به هر شکل

معرفی کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی

ممکن الگوسازی و گسترش تفکر انقلاب اسلامی در منطقه و جهان را عقیم سازد.

یادداشت‌های سیاسی ایران



معرفی کتاب: این کتاب ترجمه جلد نهم از مجموعه چهارده جلدی «یادداشت‌های سیاسی ایران» است که اسناد و مکاتبات سفارت انگلیس در تهران با وزارت خارجه‌ی این کشور را دربر می‌گیرد. جلد نهم

دوره‌ی زمانی بین سال‌های ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۴ یعنی حدود سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۳ را شامل می‌شود.

در این دوره زمانی چهار ساله شاهد علاقه‌مندی ایران به گسترش روابط با دیگر کشورهای همسایه هستیم. در همین دوره روابط دیپلماتیک ایران با افغانستان، عراق و ترکیه گسترش می‌یابد. سفر رضاشاه به ترکیه و آشنایی با مظاهر تجدد غربی در آن کشور یکی از نقاط عطف تاریخ ایران به شمار می‌آید. تأثیرپذیری اواز آتاتورک و اندیشه‌های سکولاریستی و غرب‌گرایانه وی بر سیاست‌های رضاشاه در سال‌های بعد تأثیر شگرفی داشت. اما موضوعی که بیشترین حجم اسناد و مکاتبات این کتاب را به خود اختصاص داده روابط ایران با شرکت نفت ایران و انگلیس و گسترش اختلافات بین آنهاست. این اختلافات تا آنجا ادامه یافت که قرارداد قبلی لغو و قرارداد جدیدی با شرکت نفت ایران و انگلیس منعقد گردید.

افول قدرت سیاستمداری همچون تیمورتاش نیز در این دوره اتفاق می‌افتد. تیمورتاش که زمانی قدرتمندترین فرد ایران بعد از رضاشاه و به شدت مورد وثوق وی بود، از قدرت کنار گذاشته و پس از مدتی کشته شد. در این جلد اسناد بسیاری به شخصیت و فعالیت‌های سیاسی وی اختصاص

یافته است. مسلماً اسناد دیگری در این دوره وجود داشته که به دلایلی منتشر نشده است اما همین مقدار می‌تواند ما را با روایتی متفاوت از تاریخ ایران در این دوره آشنا سازد.

یهود، صهیونیسم و اروپا: (ریشه‌یابی تاریخ جریان صهیونیسم در اروپا)

تألیف: ضحی ربانی خوراسگانی
معرفی کتاب: امروزه یهودیان و به‌خصوص صهیونیست‌ها مهم‌ترین اقلیت تأثیرگذار در کشورهای اتحادیه‌ی اروپا می‌باشند و کمتر دولت اروپایی پیدا می‌شود که تحت‌تأثیر و

نفوذ یهودیان و صهیونیست‌ها نباشد. آموزه‌های فرهنگی و هویتی یهودیت و تمدن فعلی غرب انسان را موجودی تعریف کرده است که تنها در جست‌وجوی رفاه و امنیت خویش است و دیگران را قربانی اهداف و امیال خود می‌کند. صهیونیست‌ها و نظام سرمایه‌داری با اشغال کشورها و حکومت‌ها به استعمار کهن و نو دست زدند و اکنون با رسانه‌های خود به کنترل انسان‌ها روی آورده‌اند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی، تمامی غرب با محوریت صهیونیسم جهانی تلاش می‌کند تا جلوی این حرکت و بیداری معنوی را بگیرد، چرا که پیام انقلاب اسلامی ایران رهایی انسان‌ها از سلطه‌ی افراد و ایدئولوژی‌های دست‌ساز و فراخواندن آنها به سوی تنها خالق هستی، خداوند است. این پیام آزادی‌بخش تمام منافع صهیونیسم جهانی را با خطر مواجه می‌سازد. مرکز اسناد انقلاب اسلامی برای تبیین رشد صهیونیسم و نفوذ این جریان منحرف در تمامی سطوح فرهنگی، سیاسی، امنیتی، نظامی و اقتصادی اتحادیه‌ی اروپا، کتاب حاضر را منتشر کرده است.